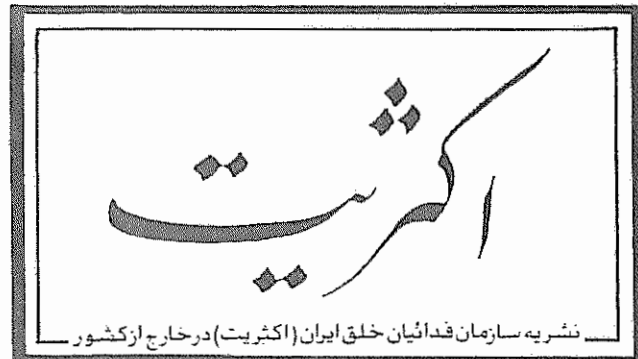
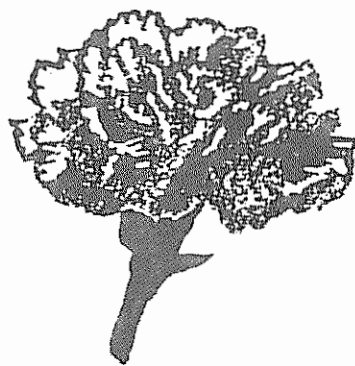


فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!



دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۹ برابر با ۳۰ آوریل ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۰۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام به کارگران و زحمتکشان ایران بمناسبت اول ماه مه
روز جهانی کارگر

در صفحه ۲

تروریسم جمهوری اسلامی بار دیگر چهره نمود

تروریست اقتصادی یا

اقتصاد تروریستی

* دکتر کاظم رجوی در ژنو ترور شد.

* بخاطر وجود دو گروگان سوئیسی در دست حزب اله لبنان و ملاحظات اقتصادی - دیپلماتیک، خطر سرپوش گذاشتن بر این جنایت توسط مسئولین مربوطه کشور سوئیس، جدی است.

جناح موسوم به افراطیون طرفدار "اسلام ناب محمدی"، تکمیل گردید. انگیزه و هدف از پرتاب این موج به فضای پرتنش کشور که در بحران اقتصادی قوه میخورد و هیچگونه گشایش اقتصادی در افق آن نمودار نیست، چیست؟

براساس آمارهای رسمی منتشره در سال ۶۵، درآمد ده درصد از مردم بطور متوسط روزانه ۶ تومان، ده درصد دیگر بطور متوسط ۱۳ تومان، حدود هفتاد درصد بطور متوسط روزانه ۱۶۰ تومان و چهار درصد روزانه بیش از ۱۰ هزار تومان است. این آمار که قطعاً نسبت به واقعیت دهشتناک زندگی مردم، آمار خوشبینانه‌ای است؟ مربوط به سال ۶۵ است و ما اکنون در اوایل سال ۶۹ قرار داریم! یعنی از زمان ارائه این آمار، چهار سال می‌گذرد. چهار سالی که بنا به اتراف دست اندرکاران کشور، فقر به اندازه چهار سال فقیرتر شده‌اند و ثروتمندان فارتگر به اندازه چهار سال ثروتمندتر!

بنابه تخمین کارشناسان اقتصادی، نقدینگی بخش خصوصی از ۱۵۰۰ میلیارد تومان تجاوز کرده است. نقدینگی موجود که شش برابر بودجه بقیه در صفحه ۲

یک بار دیگر آه و ناله از دست "تروریست‌های اقتصادی"، هشدار به آنان و تهدیدشان به اعدام!

سخنان تهدیدآمیز پیش از دستور نمایندگان مجلس رژیم، ارائه طرح‌ها و لوایح الوان با قیدهای یک فوریتی و دو فوریتی به مجلس، سخنرانی‌ها در نماز جمعه آخوندهای حاکم، موعظه در منابر، فغان و فریاد در رادیو، تصویر فقر و فاقه "امت اسلامی"، از یکسو و اینکه "اسلام تازیانه و شمشیر هم دارد" از سوی دیگر در تلویزیون، رپرتاژها و گزارشات در روزنامه‌های حکومتی، همه و همه حاکی از آنست که از سوی جناح و بخش معینی از حکومتگران موج تازه‌ای، از سناریوی بارها تکرار شده ضرورت مبارزه قاطع علیه محترمان میلیاردر و "تروریست‌های اقتصادی"، راه افتاده است. این موج با سخنرانی جنجالی کربوبی رئیس مجلس اسلامی در مراسم یازدهمین سالروز جمهوری اسلامی علیه "قانون‌های جدید" و لزوم اعدام "تروریست‌های اقتصادی" آغاز شد و با ارائه طرح فروش واحدهای مسکونی و باغ‌های اضافی به افراد بدون خانه" به مجلس توسط بخشی از



سختگوی مجاهدین اعلام کرد که این افراد فرستاده ویژه رفسنجانی برای انجام این جنایت بوده‌اند. همچنین گفته شده است که تروریست‌ها هنوز در سوئیس بسر می‌برند.

سازمان مجاهدین همچنین اعلام کرده‌است که گزارش ملایم گالیندوپل در مورد نقض حقوق بشر در ایران مشوق انجام این ترور بوده است. این سازمان خواهان تعیین نماینده دیگری از سوی سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران شد.

لازم به تذکر است که دو سال پیش نیز یک خلبان ایرانی در سوئیس توسط جمهوری اسلامی ترور شد.

طرح شده این است که آدمکشان رژیم با پرواز هواپیمایی جمهوری اسلامی صبح سه‌شنبه با پاسپورت ایرانی وارد سوئیس شده و پس از انجام عملیات قتل‌طرح ریزی شده، عصر همانروز با همان هواپیما خاک سوئیس را ترک کرده‌اند. تلویزیون سوئیس اعلام کرد که آدمکشان چند روز قبل از آن وارد سوئیس شده بودند.

سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد که سیروس ناصری سفیر رژیم در سوئیس مسئولیت این ترور را برعهده داشته است و این اقدام طی سفری که نجف‌آبادی و آخوندزاده سفیر جمهوری اسلامی در امارات متحده به سوئیس داشته‌اند طرح ریزی شده است.

ساعت یازده و پنجاه دقیقه روز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت دکتر کاظم رجوی در ژنو ترور شد. تروریست‌ها در ۲۰۰ متری خانه مسکونی وی در محلی بین لوزان و ژنو راه را بر ماشین کاظم رجوی بستند و او را بقتل رساندند. پلیس سوئیس اقدام تروریست‌ها را کاملاً حرفه‌ای توصیف کرد. آنها به اسلحه اتوماتیک مجهز به صداخفه‌کن مسلح بودند. پس از مدتی یکی از ماشین‌هایی که در این اقدام مورد استفاده قرار گرفته بود در نزدیکی فرودگاه پیدا شد.

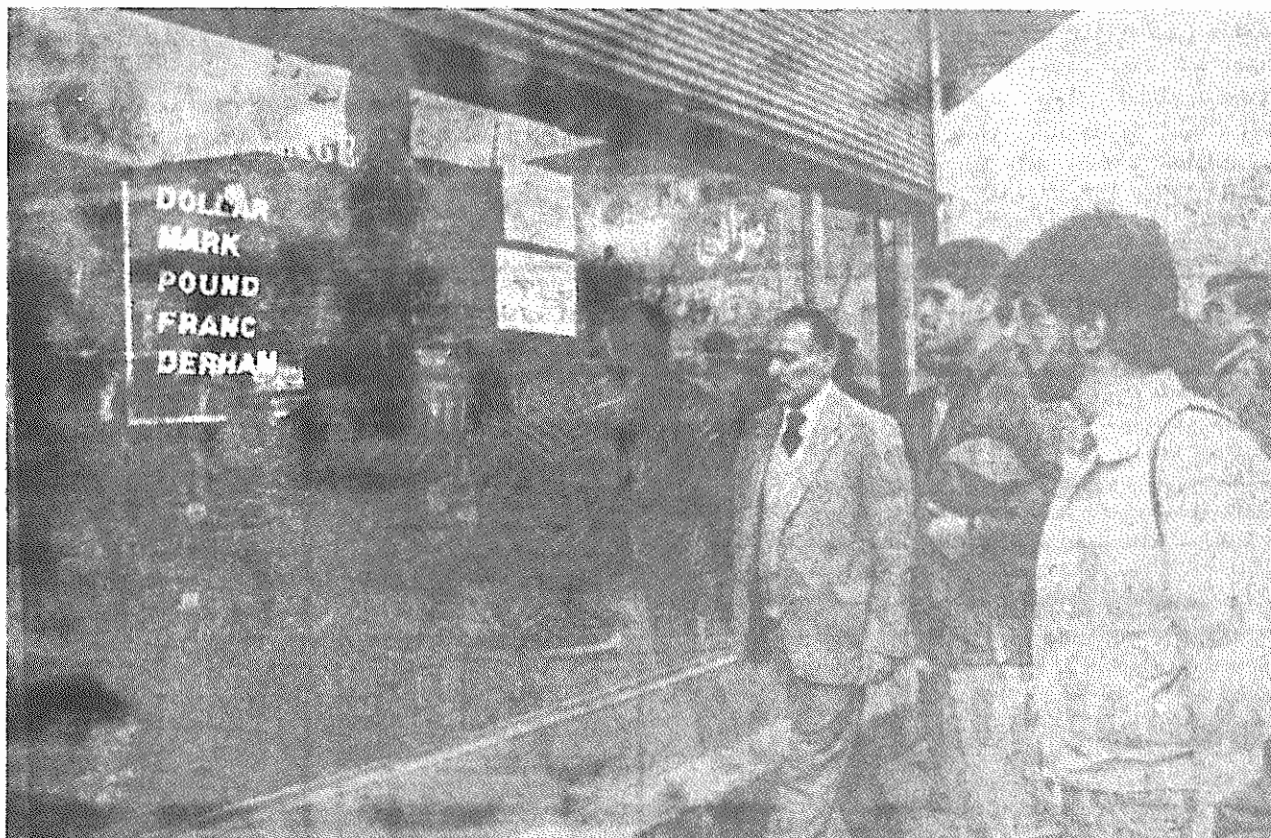
در مورد نحوه حمل تروریست‌های جمهوری اسلامی فرضیه‌ای که در نشریات سوئیس

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ترور جنایتکارانه کاظم رجوی را محکوم می‌کنیم

در صفحه ۲

صرافی بجای کتابفروشی!



تهران، چهار راه استانبول، کتابفروشی امیر کبیر. این کتابفروشی اکنون به صرافی تبدیل شده است.

تشدید کنترل پلیسی

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، فعالیت خود را تشدید کرده است. با گسترش ناراضی و افزایش امکان فوران اعتراضات توده‌ای، رژیم می‌خواهد از پیش مانع هرگونه پیوند سازمانهای سیاسی اپوزیسیون با مردم گردد. اخبار و شواهدی که می‌رسد، حاکی از تشدید و گسترش کنترل پلیسی علیه شمع گشودن برخی عرصه‌های محدود، مانند زمینه‌های فرهنگی و هنری است.

به‌عنوان نمونه، پس از برکناری منتظری، نمایندگان او در دانشگاهها هم خلع ید شدند و اموری که در اختیار آنها بود، به همه ارگانهای دیگر قرار گرفت. تا آن زمان، یکی دو سال بود که نمایندگان منتظری می‌کوشیدند در زمینه گزینش و پذیرش دوباره دانشجویان اخراجی، سیاست انعطاف‌پذیرتری به اجرا بگذارند. بسیاری از دانشجویان پاکسازی شده در جریان انقلاب فرهنگی توانستند به دانشگاهها بازگردند. اما اخیراً سیدگی به امور این تصفیه‌ها برهمه یک نماینده ساواک رژیم در وزارت علوم قرار گرفته که به طور متمرکز پرونده‌ها را اداره می‌کند. در فرم‌های جدیدی که به متقاضیان بازگشت به دانشگاهها می‌دهند، از آنها پرسیده‌اند که آیا حاضرند با وزارت اطلاعات همکاری کنند یا نه.

همچنین وزارت اطلاعات کنترل خود را بر ارتش تشدید کرده است. دادستانی ارتش تابع دستورهای ساواک رژیم است و وزارت اطلاعات، به ویژه مراقبت شدیدی در مواردی نظیر سفرهای مستخدمین و بازنشستگان ارتش به خارج اعمال می‌کند.

باخوان، گلشیری و دولت‌آبادی

در "شب شعر و قصه"

در صفحه ۵

پیام به کارگران و زحمتکشان ایران بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

مطابق اطلاعات منتشره از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران روز سه شنبه ۴ اردیبهشت (۲۴ آوریل) آقای کاظم رجوی از مسئولین سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج کشور مقیم ژنو برادر آقای مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق بدست هوامل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به شهادت رسیده است. در نزدیکی محل سکونت آقای رجوی در ژنو تروریست ها از دو سو راه را بر اتوموبیل قربانی خود بسته و او را از دور و نزدیک هدف گلوله قرار داده و گریخته اند. کاظم رجوی در دم به شهادت رسیده است.

چندی پیش نیز واحد ترور بخش عملیات برون مرزی وزارت اطلاعات یکی دیگر از مسئولین مجاهدین به نام خیرهابدینی را در ترکیه هدف گلوله قرار داد. رژیم اعلام کرد که وی زنده نمانده است اما سازمان مجاهدین اعلام کرد که هلیرفم جراحات مهلک او زنده است.

طی یکسال و اندکی که از تشکیل واحد ترور بخش عملیات برون مرزی وزارت اطلاعات می گذرد به شهادت رسانیدن کاظم رجوی دست کم ششمین مورد ترور رسماً اعلام شده توسط رژیم است.

رژیم جنایتکار بجا مانده از خمینی که هر روز بیش از روز قبل خود را در خاموش کردن صدای اعتراض مردم عاجز و در مانده می یابد، از بیم فردا که خلق برای سرنگونی او یک پارچه برخیزد، می کوشد تا آنجا که می تواند شخصیت های سیاسی مخالف را از سر راه بردارد. او دیروز با توطئه کثیف و فاشیستی قتل عام مظلومانه زندانیان سیاسی سعی کرد مردم را در پیکار علیه رژیم بی پناه کند و در روز پس از اعدام هزاران جوان رزمنده و مبارز تیم های ترور برای یکی یکی از میان برداشتن شخصیت های سیاسی مخالف تشکیل داده و به سراسر دنیا اهزام داشته است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ترور جنایتکارانه کاظم رجوی را با نفرت بسیار محکوم می کند. این جنایات بیش از پیش اثبات می کند که این رژیم ضد بشری یک رژیم تروریستی و آدمکش است که برای دراز کردن عمر نتگین خود آماده است. به جنایتکارانه ترین روش ها متوسل شود. تمام جهانیان با خشم و نفرت عملیات تروریستی برون مرزی و اعدام های دسته جمعی هولناک در سطح کشور را که قبل از همه نشانه خوی بدوی و توحش سران رژیم است، محکوم می کنند و خواهان پایان دادن به آن هستند.

به نیروهای سیاسی ترقیخواه، به همه شخصیت های سیاسی کشور: وضع موجود نشان می دهد که نقشه سران رژیم جمهوری اسلامی - با صرف بودجه و نیروی کلان - آن است که شخصیت های سیاسی اپوزیسیون را یکی یکی از پیش پا بر دارد. رژیم برای پیشبرد این هدف خود نه از اعدام بیرحمانه زندانیان معصوم و نه از ترور ناجوانر دانه شخصیت های سیاسی کشور ابا نخواهد کرد.

وظیفه همه ماست که در مقابل توطئه های تروریستی هوامل رژیم تا می توانیم هشیار تر عمل کنیم. ساده اندیشی در باره اهداف کثیف رژیم پی آمدهای بسیار ناگوار به همراه خواهد داشت.

وظیفه تمام دولت ها است که در مقابل با توطئه های تروریستی و آدم کشی های رژیم از هیچ اقدامی در تامین امنیت شخصیت ها و فعالین سیاسی، در پیگرد و مجازات هوامل تروریست رژیم و در افعال فشار بر رژیم برای وادار کردن او به قطع این جنایات فرو گزار نکنند. هر نوع مماشات با تروریست ها جز تشویق جمهوری اسلامی به جنایت بیشتر هیچ معنائی ندارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر جنایت هولناک ترور کاظم رجوی را محکوم کرده و این ضایعه را به آقای مسعود رجوی، به بستگان ایشان و به همه مجاهدین خلق صمیمانه تسلیت می گوید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ آوریل ۱۹۹۰



جناح های حکومتی است. همه حملاتی که پس از تثبیت قدرت گروه بندی خامنه ای - فرسنگانی توسط جناح افراطی بنیادگرا به گروه بندی حاکم صورت گرفته، هلیرفم برخی موفقیت ها بطور همه ناكام مانده است. این حملات که گاه در پوشش پاسداری از وصایای خمینی در صیانت "اسلام ناب محمدی" و گاه در حفظ موضع بی پایه و ارتجاعی "نه شرقی - نه غربی" در

استبدادی و ارتجاعی اش، وضع معیشتی مردم را طی دهسال گذشته به مراتب بد و بدتر کرده است. اقتصادی که رژیم آخوندی عرضه کرده، اقتصاد تروریستی است. این اقتصاد هم در خدمت جنگ و ترور و صدور تروریسم است و هم پرورنده "تروریست های اقتصادی"! موحی که براه افتاده است، در همین حال بیانگر تداوم و تشدید جنگ پایان ناپذیر در بین

مرگام متحد شویم و متحد عمل کنیم رژیم را می توان و باید به عقب نشینی و تسلیم وادار ساخت. شما با اعتصاب خودگلو رژیم شاه را فشردید. شهادت در دست همه مردم ایران رژیم خمینی را به نوشیدن زهر و پذیرش صلح وادار ساختید. شما امروز می توانید به نیروی اتحاد و مبارزه خواست های برحق خود را بدست آورید. زمان به نفع مردم و به زیان رژیم می چرخد، رژیم استبداد آخوندی بی آینده است.

کارگران عزیز! سران رژیم که از خیزش های کارگری بیم دارند، اعلام کرده اند که میزان حداقل دستمزد را کمی افزایش داده اند، گرچه این خود موفقیت است. اما رژیم فریبکار هنوز حاضر نشده است نظام دستمزدها را چنان تعدیل کند که وضع زندگی زحمتکشان بدتر نشود. هلیرفم مبارزه و خواست های وسیع کارگری، هنوز طبقه بندی مشاغل در بسیاری جاها معوق مانده و دستمزد کارگران ترمیم نشده است. هلیرفم همه فشارها هنوز جلوی قانون کار، قانونی که دست پخت خودشان است، را گرفته اند. آنها حتی اجازه نداده اند کارگران اتحادیه و سندیکای خود را داشته باشند.

در شرایطی که فشار اقتصادی زندگی کارگران را هر روز پریشان تر می کند، آوندهای حاکم یا همچنان به منازعات بی پایان بر سر پست و پول و مقام مشغولند، یا با خرج پولهای کلان در لبنان و افغانستان و دیگر جاها خرابکاری می کنند و یا در فکر آنند که در دزدی و چپاول اموال مردم و کشور و در کشتار و سرکوب مبارزات چگونه بر یکدیگر سبقت بگیرند. کارگران ایران برای تامین مطالبات خود هیچ راهی جز مبارزه متحد علیه این سیه کاری های رژیم پیشرو ندارند. مبارزه برای افزایش دستمزدها و ترمیم مستمر آن باندازه نرخ تورم، مبارزه در راه تشکیل سندیکا و اتحادیه آزاد و مستقل، مبارزه در راه حذف موارد تجاهی از پیش نویس قانون کار و تصویب فوری آن در راس خواست های صنفی کارگران است.

کارگران مبارز! برای مطالبات سیاسی و برای خواست های اقتصادی همه با هم، با هر عقیده ای، باید که متحد شد. اختلافات گروهی و دسیسه های همال رژیم نباید در بین شما تفرقه اندازد. باید با کارگران سایر واحدها ارتباط برقرار کرد. باید به هر وسیله ممکن اخبار مبارزات کارگران و توده مردم را به گوش همگان رسانید. باید به کمک خانواده کارگرانی شتافت که انتقام جویانه اخراج و یا دستگیر میشوند و برای همه اینها، باید که هسته های مخفی کارگری اهرم و ساز مانده مبارزه توده زحمتکش گردد.

کارگران و زحمتکشان ایران! باشد که این نسیم آزادی که جهان را می نوردد و دتر از پیش بینی ها میهن ما را نیز در آغوش کشد.

باشد که این خیزش ها و جوشش ها و جویبار های اعتراضی پراکنده توده های در گوشه و کنار میهن ما نیرومندتر شود، به یکدیگر پیوندد، رژیم را پس براند و به تسلیم کشاند و راه مرگ و نابودی رژیم ولایت فقیه را هموار و هموار سازد.

باشد که امسال جشن اول ماه مه نیز خاری شود به چشم رژیمی که از طلوع تازه مبارزات توده ای به وحشت نشسته است.

پیروز باشید
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اول اردیبهشت ۱۳۶۹

تروریست اقتصادی یا اقتصاد تروریستی

آمارهای مقایسه ای روی می آورند، مبدا را ده سال پیش یعنی اول استقرار رژیم آخوندی قرار می دهند و با اینکار، بنمو مفتضخانه خود را افشاء می کنند. زیرا در همه مرصه ها، کارنامه آنها رنگ تیره بخود میگیرد. در مرصه گرانی، کمبود، بیکاری، بی مسکنی و هزینه طاقت فرسای کرایه منزل، تقلیل سطح خدمات اجتماعی و بویژه بهداشت، گسترش فساد و دزدی و نمشای و مواد مخدر و غیره، وضع - تاکید می کنیم بطور مطلق - وخیم و وخیم تر شده است.

منشأ اصلی این همه فلاکت اقتصادی، فقط و فقط موجودیت و سيطرة رژیم فقر آفرین آخوندی است. دهسال واندی برای نتیجه گیری، زمانی کافی است. رژیم، نه تنها در ماندگی خود را در نجات زورق درهم کوبیده شده اقتصاد ملی و رفاه برای مردم نشان داده است، بلکه بیش از آن، بدلیل بی کفایتی و خصلت

برای مهار زدن بر ثروتمندهای چپاولگر و زالوصفت، و اگرچه بنحو خودفرزانه و ریاکارانه، هذوایی می دهند. هم دست اندرکاران رژیم آخوندی از هر جناح و دسته بندی، بهنگام معرفی مختصر و یا مقصرین در ایجاد وضع فلاکتبار برای مردم، کل رژیم را تبرئه می کنند و گناه را برگردن هوامل خارجی و یا حداکثر "اشتباهات" و "انحرافات" این یا آن جناح واین یا آن فرد سیاستگذار و مجری می گذارند. از نظر همه آنها و بزم تبلیغاتشان، آنچه که در این ده سال بابعث تشدید فقر و تنگدستی شده و یا حتی آنچه که پدیدار شده و قبل وجود نداشته است، نه تنها هیچ ربطی به حاکمیت آخوندی ندارد بلکه مغایر با "اقتصاد اسلامی" و "ارزش های اسلامی" است!

اما بسیار جالب است که وقتی بخود حکومتگران به ارائه

وسیع زحمتکشان اهم از آنان که با رنج و مرارت نان بخور و نمیری فراهم می آورند و یا آنان که از بیکاری رنج می برند، مستاصل و خشمگین هستند. جنبش های خودانگیخته ای که در چندماه گذشته در چند منطقه تهران و چندین شهرستان و نیز در واحدهای کار زحمتکشان رخ داده است، با خشم و استیصال مردم از وضع اقتصادی شان در پیوند است. نگاهی به صفوف اعتراض کنندگان و نیز شعارها و خواستهای ولو ناپخته این حرکات پر خاشگرانه بیانگر نارضایتی وسیع و ژرف مردم از وضع سخت زندگی و معیشتی است.

موضع گیری ها و جنجال های حکومتگران پیرامون ضرورت تامین عدالت اجتماعی، حکم پاشیدن آب سرد بر خشم تفته مردم است. سردمداران رژیم چاره ای ندارند که ولو در حرف، باخواست فراگیر مردم ایران

بتیه از منمحه اول

همومی دولت است تنها در دست سه هزار خانواده بخش خصوصی قرار دارد.

بیکاری بنحو مهار ناپذیری همچنان رو به افزایش است. هلیرفم درو فیردازی های گروه بندی حاکم در مهار قیمت ها و کاهش نرخ تورم، واقعیت فاجعه بار همانا افزایش مستمر بهای کالاها و قبل از همه مایحتاج همومی است.

مردم با کمبود مسکن و سرپناه و با کرایه سرسام آور خانه روبرو هستند.

این واقعیات چنان سمگین اند که هیچ دولتمردی قادر به انکار و حاشای آنها نیست. از همین روست که "هنر" اصلی سردمداران حکومتی آن شده که چگونه این واقعیات را توجیه کنند و با تحلیل های گمراه کننده از منشأ این فلاکت اقتصادی، بکوشند اذهان هاله را به انحراف بکشانند. مردم و در درجه اول توده

ترور و جنایت در خارج از کشور

ترور نفرت انگیز کاظم رجوی، بار دیگر ماهیت تروریستی رژیم ولایت فقیه را در انظار جهانیان به نمایش گذاشت. با به خون فطیلیدن کاظم رجوی توسط جوخه های ترور و جنایت حکومت استبداد آخوندی، تعداد قربانیان سرشناس عملیات تروریستی رژیم در خارج از ایران از ده نفر تجاوز کرد. ترور کاظم رجوی، که از افراد سرشناس سازمان مجاهدین خلق و فردی موثر در ایجاد و بسط مناسبات بین المللی این سازمان با برخی دولت ها و احزاب و شخصیت های خارجی و برادر مسعود رجوی رهبر "شورای ملی مقاومت ایران" بود، جدیدترین نمونه سیاست تروریسم رژیم به شمار می آید. در اواخر زمستان گذشته، مجاهد میرهابدینی در ترکیه ترور شد. پیش از آن، حاج بلوچ از مخالفان سرشناس رژیم در بلوچستان، بدست تروریست های تعلیم یافته در شهر کوئته پاکستان به قتل رسید. و قبل از این اعمال جنایتکارانه، دکتر عبدالرحمن قاسم دیر کل سابق حزب دموکرات کردستان ایران، عبدالله قادری از مسئولان این حزب و همراه این دو نفر دکتر فاضل رسول از کردهای عراق در وین، سرهنگ احمدی در دوی، قلام کشاورز از حزب کمونیست ایران در قبرس و صدیق کمانگر از مسئولان کومله توسط تروریست های حکومت ترور و جنایت، به قتل رسیدند. این ترورها، بیانگر آنست که برای جنایتکاران حاکم بر کشور ما، نابودی فیزیکی مخالفان یک اصل

است و رژیم از امحاء مخالفان خود بهر شیوه و در هر کجای دنیا که باشد، دست بردار نیست. رژیم ولایت فقیه طی بیش از یازده سال حکومت خون و جنایت، دهها هزار نفر از مخالفان خود را در زندان ها، میدان های اعدام، در خیابان ها، در منازل شخصی آنها و در محل کارشان اعدام و یا ترور کرده است. اکنون عملیات تروریستی رژیم در خارج از مرزهای کشور رو به گسترش است. اسنادی که توسط برخی سازمان های سیاسی کشور در رابطه با تمهیدات و تدارکات رژیم برای انجام عملیات تروریستی علیه مخالفان و نیز انتشار لیست هایی از مزدوران تروریست در بعضی از کشورها، انتشار یافته است. بطور قطع اثبات میکند که دامنه نقشی تبهکارانه رژیم در ترور مخالفان در خارج از کشور بسیار گسترده است. در اجرای این نقشه های شوم و نفرت انگیز است که رژیم قربانیان را انتخاب می کند و به محض یافتن امکان عمل، پنجه خون آلود مزدوران را در گلوئی مخالفان می فشارد. ترور اخیر که فقط مدت کوتاهی پس از انتشار گزارش آقای گالیندوپل نماینده ویژه ازمای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران صورت گرفت، مدرک مستندی است که نشان میدهد حکومت آخوندی توسل به ترور و اعدام مخالفان را همچنان حربه اصلی و تنها حربه در برخورد با مخالفان می شناسد. در همین حال

باید این نکته را نیز در نظر داشت که رژیم تروریست که برای نجات خود از انزوای بیحد و حصر بین المللی و تحصیل پاره های امکانات در بازارهای بین المللی اخیرا چهره آمادگی برای کجک به آزادی گروگان ها در لبنان را به خود گرفته است، نظر به خصلت استبدادی و تروریستی اش در همانحال و همانزمان به ترور و نابودی فیزیکی مخالفان استبداد و رژیم ولایت فقیه نیز متوسل می شود چنین تناقض هایی بیانگر تضاد بین ماهیت تروریستی رژیم و چهره دروین آن در سر بزرگ های معامله و بندوبست با دولتهاست. در چنین شرایطی همه نیروهای اپوزیسیون باید با یک اقدام مشترک و جمعی، فعالانه چهره تروریستی رژیم را در افکار عمومی جهان افشا کنند. به هیچ وجه نباید اجازه داد که رژیم در مقابل کشورهای دیگر از خود یک چهره نشان دهد و در مواجعه با نیروهای مخالف ایرانی چهره دیگر، جلوگیری از گسترش و تکرار ترور و جنایت در خارج از کشور، افزایش هشیاری در برابر اقدامات مشکوک منتسب به سرکوبگران حاکم که می کوشند به اتکال هزینه های درشت شبکه های تروریستی خود را در کشورها بگسترانند، یک ضرورت فوری و انتشار بموقع هر خبر مربوط به دام گسترده تروریست ها در جهت ارتکاب جنایتی دیگر علیه جان مهاجرین سیاسی میمنان، یک نیاز و وظیفه دموکراتیک است.

است. در مخیله سردمداران این جناح، هیچ شیوه دیگری جز اعدام و سرکوب راه ندارد.

راه پیکار با "تروریسم اقتصادی"، نه اعدام و نه ترور و نابودی فیزیکی "تروریست های اقتصادی" است.

اقتصاد ویران ایران، اقتصاد ورشکسته ای که فقط زمینه فربه شده مشتی "تروریست اقتصادی" را فراهم می آورد، فقط شرایطی می تواند به سببی ایجاد و شکوفائی یک اقتصاد شکوفان، اقتصاد دارای رشد و پیشرفت مستمر، اقتصاد رفاه آفرین و توسعه دهنده عدالت اجتماعی مبتنی بر سطح رشد کشور و اقتصادی که در آن "تروریست های اقتصادی" امکان ابراز وجود و نشو و نما نداشته باشند، چرخش کند که بر پایه واقع بینی و به کار گرفتن همه امکانات رشد و تولید و شکوفائی توانایی ها و استعداد های انسانی بنا شود. چنین اقتصادی تنها بر زمینه دموکراتیسم و مشارکت فعالانه و آزادانه مردم در ساختمان کشور و راه اندازی چرخ های اقتصاد ملی امکان پذیر است. آزادی، شرط مقدم و پایه ای برای پی ریختن چنین اقتصادی است. تامین دموکراسی و قبل از همه آزادی های سیاسی به مفهوم وسیع و کامل کلمه است که اجازه می دهد مردم به سوی آبادانی کشور جذب دستاوردهای علمی و فنی، و پی ریزی صنایع کلیدی و بهبود و ارتقاء سطح کشاورزی ایران، و تامین رشد و افزایش تدریجی و مستمر سطح رفاه مردم و کاهش پیوسته سطح بیکاری از طریق ایجاد مشاغل تولیدی و سازنده خیز بر دارند.

سیاست خارجی رژیم "و صدور اسلام" و بر خانیز در هر سه تقسیم مقام و موقعیت ها سازمان داده شده، اکنون در پوشش یورش به "تروریست های اقتصادی" و به طور غیر مستقیم حامیان سیاسی آنها جریان می یابد. در حالیکه جناح حاکم، به حرف و حدیث های خود در زمینه سرمایه گذاری و جلب سرمایه و کاستن از فشار تورم به شیوه ای اقتصادی مشغول است، جناح تندروها که مرکز و میجوت بر نامه سازنده ای نداشته است به تنها شیوه شناخته شده یعنی چماق روی آورده است. صرف نظر از اینکه، اینها چه میزان قادر به پیشبرد و تحصیل این "سیاست" در رژیم هستند، بطور قطع میتوان پیشاپیش بر بی فرجامی این "سیاست" حکم داد. بنابراین، تنها فایده این جوارو جنجال برای جناح تندگرا، فشار سیاسی بر حریف است. این جنگ قدرت، آنجا که به ساختار سیاسی رژیم مربوط می شود، پیش از هر وقت دیگر در جنگ میان بخش بزرگی از مجلس از یکسو و دوقوه اجرائیه و قضائیه از سوی دیگر چهره نموده و می نماید. به علاوه، جناح تندگرا تا حدودی متوجه این حقیقت گریزناپذیر شده است که دیگر قادر به حفظ مواضع افراطی و بی پایه خود در سیاست خارجی و مقابله با حریف در این زمینه نیست. روی آوردن به شعارهای مربوط به عدالت اجتماعی، ظاهرا با صرفه تر می نماید و از این طریق بیشتر می توان نیرو پشت سر خود جمع کرد! این جناح، بر نفرت همیق و بر حق مردم نسبت به "تروریست های اقتصادی" تکیه می کند و در همین حال، راهی را که پیشینده می کند اعدام و قلع و قمع

طرح فروش اجباری واحدهای مسکونی و باغ های اضافی

مسکونی و باغات مذکور کجک می نمایند و نیز بستگان درجه ۱ و ۲ و ۳ صاحبان آن ها در خرید واحدهای مسکونی و باغات مذکور نسبت به دیگران اولویت خواهند داشت. این طرح از طرف ۳۲ تن از نمایندگان مجلس آخوندی امضاء شده است که در میان آنها، نامهای علی اکبر محتشمی، هادی خامنه ای، سلامتی، و فخرالدین مجازی دیده می شود.

مازاد را به افراد فاقد مسکن فروخته و بهای اخذ شده را به مالکان آن می دهد. محدودیت تملک بیش از دو واحد مسکونی مشمول کل افراد خانواده (همسر و فرزندان) می شود. در طرح مذکور قید شده است که "کسانی که واحدهای مسکونی و باغات مازاد افراد را به کمیسیون ماده ۲ این قانون اطلاع می دهند و کمیسیون مذکور را در تشخیص واحدهای

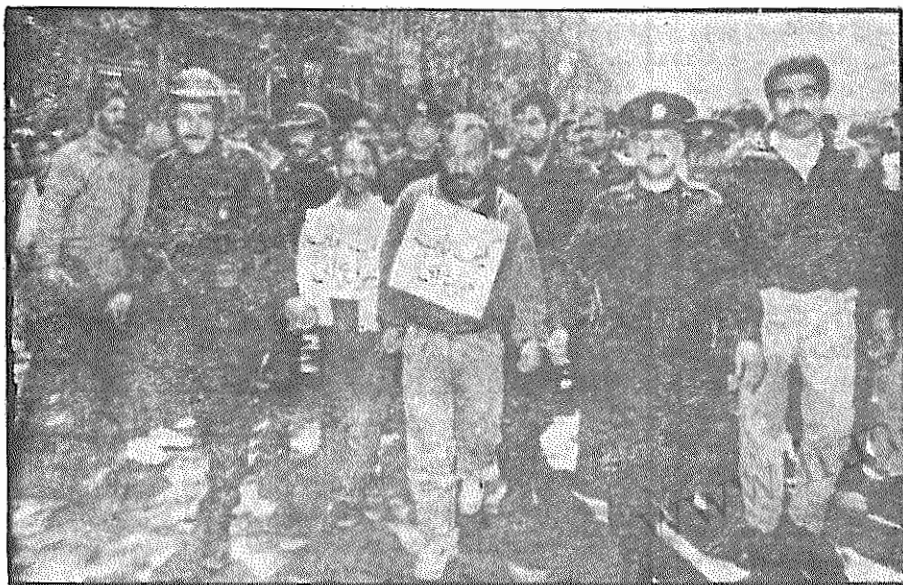
۳۲ نماینده مجلس جمهوری اسلامی طرحی را برای تصویب به مجلس ارائه کرده اند که براساس آن کسانی که بیش از دو واحد مسکونی یا یک هزار مترمربع زمین بصورت بافچه و باغ در محدوده شهرهای بزرگ دارند می بایستی مازاد واحدهای مسکونی و باغات خود را به کمیسیون مربوطه اطلاع دهند. در این طرح قید شده است که دولت واحدهای مسکونی و باغات

سقوط قیمت نفت و اظهار نگرانی شدید کشورهای عضو اوپک

شدند. کشورهای امارت متحده عربی، کویت و تا حدی عربستان سعودی با هرگونه اجلاس فوری ۱۳ کشور عضو اوپک مخالفت کردند. مقامات نفتی اوپک اعلام کردند که کشورهای عرب تولید کننده نفت حوزه خلیج فارس که بخاطر سرازیر کردن به بازار اشباع شده نفت مورد اتهام و سرزنش قرار گرفته اند اینک تحت فشار قرار دارند تا میزان تولید خود را کاهش دهند.

سپری شدن فصل زمستان عامل دیگری است که در کاهش بهای نفت موثر بوده است. نیویورک تایمز در گزارشی در این زمینه پیش بینی کرده است که کند شدن آهنگ رشد اقتصادی کشورهای صنعتی و سبک شدن وضع تورم در این کشورها ممکن است بهای نفت را از این هم پائین تریاورد. لیبی و الجزایر خواهان تشکیل جلسه فوق العاده اوپک برای بررسی مساله سقوط قیمت نفت

کاهش قیمت نفت اوپک، اظهار نگرانی شدید کشورهای عضو اوپک را به دنبال داشته است. قیمت نفت اوپک در سه ماهه اخیر ۶۰ دلار کاهش در هر بشکه را نشان می دهد. بنابر گزارش فایننشال تایمز کشورهای عضو اوپک اینک ۲۴ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید می کنند که ۲ میلیون بشکه بیشتر از سهمیه تولیدی آن است. مخازن نفت کشورهای واردکننده نفت نیز اینک از نفت پر شده است.



این گونه صحنه ها در تهران بکرات دیده می شود. به دستور مقامات، سر مجرمین خرد و تخم مرغ دزدان را چهار خیابان می تراشند و در شهر می گردانند.

نامه ۱۴۰ تن از نمایندگان مجلس آخوندی

۴ - تعداد حاجیان ایران را به میزان آخرین حج انجام شده در سال ۱۳۶۶ یعنی حداقل ۱۵۰ هزار امسال محفوظ دارند. ۵ - حج ایرانی و سایر حج راد را انجام مناسک حج ابراهیمی و اعلام برائت از مشرکین بر طبق فتوا و فرموده رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره الشریف آزاد گذارند.

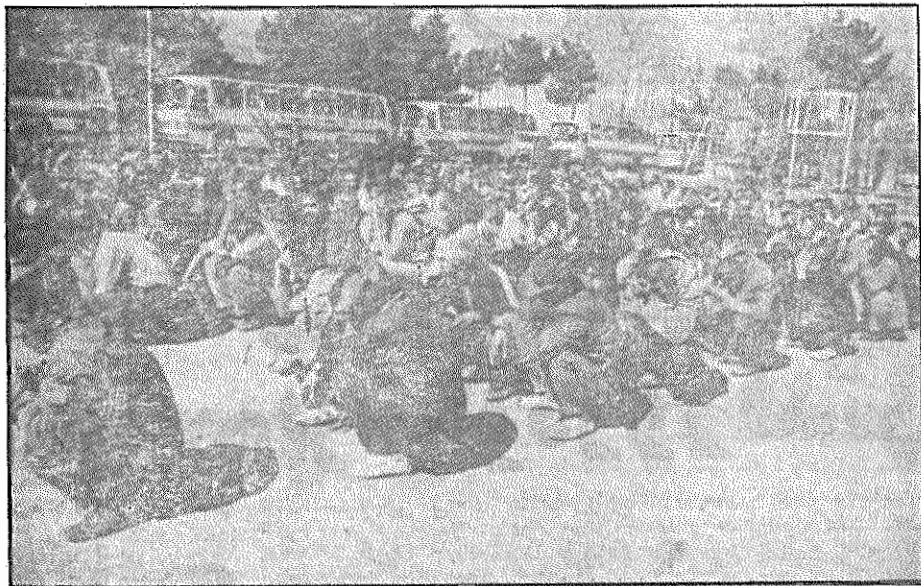
انجام یابد. موارد ذیل از سوی حاکمان حجاز مورد توجه قرار گرفته و معمول گردد: ۱ - حکام سعودی به خیانت خود در کشتار حاجیان مظلوم ایران اقرار و اذکار کنند. ۲ - سده خون های بناحق ریخته آن شهیدان را بپردازند. ۳ - اموالی را که از کاروانها و حج ایرانی به غارت برده اند مسترد دارند.

با نزدیک شدن موسم حج، بار دیگر درگیری و کشمکش بر سر اهزام حجاج ایرانی به مکه و شرایط آن بالا گرفت. روز ۲۱ فروردین ۱۴۰ تن از نمایندگان مجلس رژیم نامه ای "خطاب به مسلمانان جهان" انتشار دادند و طی آن خواستار شدند که بر رژیم عربستان سعودی اعمال فشار شود تا خواستهای که در پایان نامه به شکل زیر اعلام شده است،

چرا هر روز بیشتر

می شود؟

از نطق یک نماینده مجلس رژیم آخوندی در سفرانی پیش از دستور خود در روز ۲۵ فروردین: "چرا سال های اول انقلاب همانهایی که بدحجاب بودند و یا حتی به حجاب اعتقاد نداشتند اکثرا با حجاب کامل اسلامی خصوصا با چادر در اکثر تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت می کردند؟ چرا سال های اول انقلاب آن همه مردم خوب راننده گی می کردند و خیلی بیشتر از امروز رهایت و مقررات راهنمایی و رانندگی را می نمودند؟ روز بروز بر تعداد ریش تراشیده ها و بدحجاب ها افزوده می شود. روز بروز تعداد زلف دارها اضافه میشود. عده ای هر روز از روز دیگر بدتر رانندگی کرده و تخلف بیشتر می کنند؟"



گروهی از معتادان که بر اساس طرح و العادیات برای کار اجباری در مزارع جمع آوری شده اند.

بیانیه جمعی از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخلاقی انتخابات پشت پرده که به نحوی مفتضحانه افشاء شد، یک بار دیگر در همل نشان داد که سردمداران حزب به هیچ یک از ادعاهایشان در زمینه روی آوردن به دموکراسی و هلنیت اعتقادی ندارند. هم اکنون ساختار هیئت اجرایی هلیرقم حضور برخی رفقای صالح اما خوش باور در آن فیر دموکراتیک تر و بی ثبات تر و ترکیب آن حتی ناصالح تر از گذشته است. چنین نهادی نه تنها از تدارک دموکراتیک کنگره سوم حزب توده ایران عاجز است، بلکه از هیچ کوششی برای سنگ اندازی در راه آن فروگذار نخواهد کرد.

... با توجه به نکات فوق، ما امضاء کنندگان این بیانیه، به کلیه اعضای حزب توده ایران، و به همه سا زمان ها و احزاب مترقی ایران و جهان اعلام میداریم که خود را در برابر اقدامات آتی رهبری کنونی حزب مسئول نمی دانیم، عضویت در کمیته مرکزی کنونی حزب توده ایران نه تنها افتخاری برای ما محسوب نمی شود، بلکه در تضاد با مسئولیت شناسی حزبی ما قرار می گیرد. ما رهبری "رسمی" حزب توده ایران را نماینده واقعی حزب نمی دانیم، و خواستار موضع گیری هلنی همه احزاب، سا زمان ها و شخصیت های مترقی ایران در برابر هملکرد مدعیان میراث داری افتخارات حزب توده ایران هستیم.

وظیفه خود می دانیم همه رفقای که خود را توده ای می دانند را فرا بخوانیم تا با انتخاب نمایندگان خویش به تدارک دموکراتیک و مرحله ای کنگره سوم حزب بپردازند. اینک زمان آن است که ابتکاراتی که اعضای حزب طی سال های اخیر، هلیرقم کارشنکی های رهبری "رسمی"، در راستای تدارک نظری، برنامه ای، سیاسی و تشکیلاتی کنگره بکار بسته اند، سرتاسر حزب را در برگیرد.

باز سازی حزب بر مبنای دموکراتیک به نیروی اتحاد همه پیروان راستین و پاکدامن سوسیالیسم مردم سالار و انسانی وابسته است.

ما معتقدیم هلیرقم همه دشواری های موجود و دیر کردهای ما، مبارزه در راه نو سازی بنیادی حزب توده ایران با موفقیت پیش می رود، و تا اعادة پویایی رزمجویانه و بازیابی جای شایسته خود در اتحاد چپ و در جنبش آزادیخواهی، ملی، مردمی و مترقی ایران راه درازی نمانده است.

پس از پایان پلنوم حزب توده ایران بیانیه ای با امضاء تن از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقا سیاوش کسرائی، ژیلای سیاسی، م. حقیقت، شمس الدین بدیع تبریزی، حسین سازور و ویگن در اعتراض به روند و مصوبات این پلنوم انتشار یافت. در این بیانیه آمده است:

در شرایطی که سطره جان سخنان استالینیسیم، هلیرقم فروپاشی آن در هر صه هجانی، حزب توده ایران را در کام بحرانی ژرف فرو برده است که موجودیت آن را تهدید می کند، سرانجام پلنوم فروردین ماه ۱۳۶۹ کمیته مرکزی با تاخیر هامدانه بسیار تشکیل گردید. در این گرد همایی بیشتر از یک چهارم اعضا و مشاوران کمیته مرکزی حضور نداشتند. رفقای کرد که در این اواخر از حزب گسسته اند، چهار رفیقی که در فاصله دو نشست کمیته مرکزی باز به شیوه ای برخلاف اساسنامه حزب "خراج" شده اند، و رفقای دیگری که بدلائل گوناگون قایب بودند، در پایان اجلاس نیز نزدیک به یک چهارم حاضران یا استعفا دادند یا به اعتراض از شرکت در رای گیری خودداری ورزیدند.

... شواهد گوناگون در ماه های اخیر حاکی از آن بود که گروه حاکم بر کمیته مرکزی دیگر توان دفاع از سیاست ورشکسته خویش در مخالفت لجوجانه با نو سازی بنیادی حزب را ندارد، و در صدد آنست که از رسوایتین چوالب این سیاست دست بشوید، تا با واگذاری امتیازاتی مرچه کم اهمیت تر، برکناری خویش را به تعویق اندازد.

... پلنوم طی هتب نشینی از مواضع پیشین از مرز اتخاذ برخی تصمیم های ظاهر فریب و بدون ضمانت اجرایی با هدف خنثی کردن فشار توده حزبی فراتر نرفت و در همل گامی در راه نو سازی حزب بر نداشت. گردانندگان حزب با پشتیبانی اکثریت فرمایشی به ارزیابی انتقادی از کارنامه فاجعه آمیز خود و به بازرسی فعل و انفعالات تشکیلاتی و مالی در فاصله دو نشست کمیته مرکزی تن ندادند. مهم ترین خواست های اعضای حزب و جدی ترین مسایل حزبی و تشکیلاتی، از جمله انفعال سوال برانگیز هیات دبیران در اتخاذ تدابیر مشخص برای پیشگیری از فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران، و چگونگی دستبرد پلیس به هسته های حزبی در ایران، بلا جواب، لاینحل و مسکوت باقی ماندند. ما در این پلنوم شواهد همل استالینستی بودیم. سازماندمی توطئه گرانه و ضد

پیرامون بیانیه مشترک چهار ...

بقیه از صفحه ۶

آیا باز این وفاداری به اندیشه دموکراسی و منش همراه بودن و منافع فرقه ای و گروهی است که چنین الزام می کند که هنوز راه دوری از سایر جریان ها را که حتی زودتر از ما اعتقاد و سیاست خود را نسبت به این اندیشه ها اعلام کرده اند طی کنیم و یا بالعکس؟ نمی توان سخن از برتری منافع مردم و کشور بر منافع گروهی و فرقه ای زد ولی در همین حال علیه هم اندیشان و همگامان بخاطر همین منافع فرقه ای و گروهی به ضدیت برخاست و یا واقعیت آنان را نادیده گرفت.

سخن گفتن از آینده روشن و امید به آن بیموده است اگر هنوز ما بخواهیم صرفا بر پایه تضاد نسبت به گذشته این یا آن جریان سیاسی و آن هم بطور یکجانبه عملی کنیم. زیرا چنین روشی که ارتباط آینده خود را با سیاست امروز نمی بیند و بدنیال محکوم ساختن دیگران در گذشته است قبل از هر چیز آینده را از دست داده و هنوز هم به تقدیس گذشته و ماندن در آن مشغول است.

حقیقتا راه اتحاد و ائتلاف بزرگ دموکراتیک و ملی در کشور و استقرار آزادی و حکومت قانون در کشور دوری از چنین روشها و برخورداتی است.

بلکه نیروهای جداگانه دیگری همانند "حزب دموکرات کردستان، رهبری انقلابی" و نیز نیروهای منفرد و مستقلی وجود دارند که از مشی اعلام شده بیانیه اخیر حمایت و پشتیبانی می کنند. در طیف نیروهای میانه و لیبرال نیز نیروهای همانند "جمهوریخواهان ملی" و "جبهه ملی وجود دارند که پذیرش قابل تأسفتر خواهد بود اگر واقعیت این نیروها و مواضع اعلام شده توسط آنها با توجه به موازین و معیارهای مندرج در بیانیه و تجارب سنگین گذشته امان، برای همکاری و ایجاد زمینه های لازم برای "شکل گیری یک ائتلاف بزرگ دموکراتیک و ملی" نادیده گرفته شده باشد. زیرا چنین برخوردی نه تنها نشان دهنده زیر پا گذاشتن ارزشهای اعلام شده و عدم اعتقاد به اندیشه دموکراسی را نشان می دهد بلکه یک افواگری سیاسی است که هیچ انسان شریف، آگاه و آزاده ای به آن گردن نمی نهد.

وفاداری به اندیشه دموکراسی و "منش همراه بودن، همراه شدن و منافع ملی را ماواری منافع حزبی و گروهی و فردی دیدن" ما را موظف می کند که به واقعیت این نیروها و اندیشه و تفکر آنان اعتراف کرده و آنان را نیز جزئی از این ائتلاف بزرگ دموکراتیک و ملی بدانیم.

بیکران ارزیابی گردد. آنچه مورد نظر است رد جنگ به مثابه حربه حل تضادها و اختلاف ها میان کشورهاست.

... حزب ما نواندیشی را به معنای هدول از مبارزه علیه امپریالیسم و توطئه های آن در کشورهایی نظیر ایران نمیداند. به باور ما، بهره کشی از خلق های جهان سوم از جانب انحصارهای فراملی که به شکل نوین و با استفاده از اهرم های سیاسی اقتصادی تحقق می یابد، یکی از عوامل همد تشدید وخامت بین المللی است.

در هر صه سیاست داخلی گفته شده است: "از این رو حزب توده ایران: از جهت منافع همه خلقی به معنای خواست های دموکراتیک هام را می پذیرد، معتقد به وجود پیوند هلنی و انکارناپذیر میان مبارزه در راه دموکراسی و حرکت بسوی هدف های استراتژیک میان شیوه های انقلابی و رفرمیستی است.

نظر تادرسر شناسائی مارکسیسم به مثابه مجموعه ای از نسخه های از پیش آماده شده و رهنمودهای خشک و جامد را رد می کند و با هر گونه الگو برداری نیز مخالف است.

بر آنست که باید همه مراحل گذار، برای دستیابی به هدف استراتژیک را دقیقاً مورد توجه قرار داد. این گذار، در کلیت خود، طولانی و دراز مدت خواهد بود.

"مبارزه در راه آزادی و صلح و سرنگون کردن رژیم ولایت فقیه رایگانه راه معقول در مرحله کنونی برای دستیابی به همدالت اجتماعی میدانند آزادی از نظر ما عبارت است از مراعات کامل آزادی های دموکراتیک مورد پذیرش بشریت متحده و احترام به منشور حقوق بشر. در این چارچوب ما به مراعات اکیدپلورالیسم سیاسی در کشور معتقدیم.

... سرنگون کردن رژیم ولایت فقیه را یک شعار مرحله ای میدانند که هدفش از بین بردن اصل ضد خلقی و ارتجاعی ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات ایدئولوژیک - سیاسی رژیم خودکامه قرون وسطائی و مذهبی است. دستیابی به این هدف نیز فقط با تحول ساختاری در حاکمیت، ایجاد یک حکومت دموکراتیک بر اساس اراده مردم و تدوین و تصویب قانون اساسی نوین با مضمون ملرد حکومت تئوکراتیک و استبدادی در هر شکل آن امکان پذیر است.

... مبارزه در راه اتحاد نیروهای دارای هتاید و نظرات سیاسی گوناگون را یک هدف گذرا و موقتی نمی داند و آماده مبارزه مشترک در چارچوب جبهه واحد با همه احزاب و سازمان های سیاسی و نیز شخصیت ها و جریان های سیاسی هذهبی است. در این زمینه یگانه موارد استثنا باید نیروهای دارای خصلت فاشیستی و نیز نژادپرستانه و شوونیستی باشد. ... مخالف هر گونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران صرف نظر از اشکال تظاهر آن است. دستیابی به استقلال اقتصادی و مالا تامین استقلال سیاسی در چارچوب جهان یکپارچه و با وابستگی های متقابل هدف ماست. سرنوشت ایران را فقط مردم ایران باید تعیین کنند.

... حزب توده ایران برای برون رفت از این وضع و با توجه به ضرورت بهره گیری از مجموعه امکانات مادی و معنوی جامعه برای تامین رشد اقتصادی سالم در لحظه کنونی وجود اقتصاد سه مالکیتی - دولتی، تعاونی، خصوصی - را در کشور ضروری می داند و معتقد است که هدول از این مدل به هر دلیلی، به صلاح کشور نبوده و نیست.

حزب توده ایران طرفدار وجود بخش دولتی دموکراتیک است. این بخش باید از امکانات خود در رشته هایی استفاده کند، که بخش خصوصی و تعاونی قادر به سرمایه گذاری در آنها نیست. ما مخالف انحصار مالکیت دولتی و یارشدی کنترل آن هستیم. مدل سه مالکیتی مورد نظر ما، در همین حال که مخالف دولت سالاری است، حاکمیت مطلق بخش خصوصی را نیز نفی می کند. اما این به معنای خودداری از بکارگیری امکانات بخش خصوصی و رقابت آن با بخش دولتی نیست.

استراتژی سیاسی حزب توده ایران باید متوجه هملکرد موثر مدل اقتصاد سه مالکیتی به معنای پلورالیسم اقتصادی و سازماندهی جنبش همه خلقی برای دفاع سیاسی از مدل جدید محدود و هملکرد پلورالیسم سیاسی خواهد بود. به باور ما، همه این مکانیسم ها می توانند در چارچوب یک جبهه واحد نیروهای سیاسی موثر تر و کاراتر همل کنند.

در خاتمه برنامه نوشته شده است: "برنامه همل سیاسی حزب توده ایران برای کوتاه مدت از شفافیت و صافی و تبلور ویژه ای برخوردار است. یعنی حزب، حقایق را آنچنان که بدان معتقد است، صادقانه با نمایندگان همه طبقات و اقشار جامعه در میان می گذارد و در این محدوده صریحا اعلام می کند که مبارزه حزب توده ایران در راه آزادی و آزادیهای دموکراتیک هدف همین و مشخص پیشرفت اجتماعی را تعقیب می کند. برای دستیابی به این هدف هم شرکت همه مردم را ضرور می داند."

خبرها و نظرها

پلنوم کمیته مرکزی

حزب توده ایران

در فروردین ماه ۶۹ پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. به همین مناسبت اطلاعیه ای در نامه مردم شماره ۳۰۷ درج شده است. در شماره مزبور نامه مردم "برنامه همل سیاسی کوتاه مدت" مصوب پلنوم نیز به چاپ رسیده است. در پایان پلنوم و در اعتراض به روند و مصوبات آن اطلاعیه ای نیز از سوی جمعی از اعضا کمیته مرکزی حزب توده ایران انتشار یافت که بخشی از آن در همین شماره نشریه اکثریت به چاپ رسیده است.

مطابق اطلاعیه هیات اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران:

"پلنوم گزارش هیات سیاسی را مورد بحث قرار داد و پس از اصلاح به تصویب رساند. آنگاه پلنوم بر ضرورت انجام تغییراتی در برنامه و اساسنامه حزب بمنظور تشدید فعالیت حزب در داخل و خارج از کشور و در راستای ارتقاء حقوق و وظایف اعضا و هواداران حزب و تامین اعمال اراده آنها در زندگی حزبی تاکید ورزید و برگزاری کنگره سوم حزب را مورد تصویب قرار داد. بر این بنیان پلنوم هیات اجرایی را برگزید. وظیفه این هیات علاوه بر اداره امور جاری حزب، تدارک همه جانبه کنگره با بکارگیری شیوه ها و مکانیسم های تامین دموکراسی درون حزبی است. پلنوم کار خود را با صدور یک برنامه همل سیاسی کوتاه مدت و فراخوان و نیز چند پیام ... پایان داد."

برنامه همل سیاسی حزب توده ایران که در شماره ۳۰۷ نامه مردم انتشار یافته است حاوی تفاوت هایی با مواضع اعلام شده حزب توده ایران تا امروز است. در این برنامه در رابطه با رویدادهای جهان آمده است:

"تحولات بنیادین در آن کشورهایی که تا چندی پیش سیستم جهانی سوسیالیسم را تشکیل میدادند، مهمترین رویدادهای جهان در حال حاضر بشمار می رود. بازپس نشینی از اصول و شیوه های لنینی ساختمان جامعه سوسیالیستی، پذیرش مدل "سوسیالیسم سربازخانه ای" سوسیالیسم بر پایه نظام استالینستی و فرماندهی - اداری که وجه مشترکی با سرشت انسانی و دموکراتیک اندیشه های سوسیالیستی نداشت و به دور ماسیون سوسیالیسم منجر گردید، کشورهای سوسیالیستی را در مجموعه خود دچار بحرانی بی سابقه ساخت و شرایط رفروپاشی سیستم جهانی سوسیالیسم را بوجود آورد.

... باید از روند دگرگونی سازی در اتحاد شوروی که با سرنوشت بشریت پیوند جدائی ناپذیر دارد، دفاع کرد نمی توان و نباید مشکلات فراوان و در مواردی، بسیار بزرگ و بفرنج موجود بر سر راه دگرگونی سازی را نادیده گرفت.

... سوسیالیسم دموکراتیک و انسانی از نظر ما چنان نظامی است که در آن انسانها راسا سرنوشت خود را بدست می گیرند و خواستهای مادی و معنوی آنها در سطح هالی تامین می شود."

در رابطه با تئوری راه رشد فیر سرمایه داری در برنامه چنین آمده است:

"عدم موفقیت کشوریایی که راه رشد فیر سرمایه داری را در پیش گرفته بودند و هدول آنها از این "راه" شکست تئوری و پراتیک آن را هملابه اثبات رساند."

در رابطه با نواندیشی در هر صه سیاست خارجی در برنامه نوشته شده است:

"... ما معتقد به وجود دیوار چین میان ارزش های همه بشری و منافع طبقاتی نیستیم. این دو دارای پیوند دیالکتیکی هستند و باید آن را در مبارزه سیاسی مورد توجه قرار داد.

مبارزه در راه رفع خطر نابودی تمدن بشری نباید به مثابه نفی پیکار میان محرومان و صاحبان ثروت

امروز از امضاء کنندگان بیانیه یک سؤال مطرح است: اگر اعتقاد به اندیشه دموکراسی و دوری از معیارهای گذشته در سازمانهای ما نهادی شده است و اگر قرار است که منش همراه بودن، همراه شدن و منافع ملی را ماورا منافع حزبی و گروهی و فردی دیدن را پیشه خود سازیم، چرا هنوز حداقل در طیف نیروهای چپ نام حزب توده ایران و "حزب دموکرات کردستان، رهبری انقلابی" در کنار نام امضاء کنندگان بیانیه نیست؟ و چه الزامی مانع از این همکاری و اتحاد همل است؟

و اما نه سخن آخر که سخنی دیگر:

سال هاست که میهن بلاکشیده ما در تب و تاب بحرانی فلاکت بار در مقابل چشمانمان میسوزد، سرمایه های ملی و معنوی کشور نیست. و نابود می گردند. بهترین جوانان و فرزندان این کشور به زیر تیغ قصی ترین حکومت های جهان در خون فداخت پرپر می شوند. فقر و فلاکت زندگی مردم را به تباهی کشیده است ...

راه آغاز شده توسط ما یگانه راه صحیح و منطقی برای خروج از وضعیت کنونی است بشرط آنکه با صداقت، شجاعت و پیگیری تمام ملی شود و همچنان در گفتار، در عمل نیز به این سیاست پای بند باشیم.



با اخوان، گلشیری و دولت آبادی در «شب شعر و قصه»

مهر داد کی میائی

استحکام نثر او را اطمینان کردند. محمود دولت آبادی آن شب دیر آمد و زود رفت، آنقدر که هلاکت آثارش را مجال دیدار کوتاه بود و بسیاری که در فضای ورودی سالن به قصد دیدار در جستجویی بودند فرصت دیدار نیافتند.

* * *

در بیان

«شب شعر و قصه» پایان خوش آیندی نداشت. بسیاری از هموطنان ما که بخشی شان از شهرهای اطراف و گاه دور به قصد دیدار و گفتگویی در برنامه آن شب حضور یافته بودند، در حالی که پس از اجرای برنامه دولت آبادی در فضای ورودی سالن زمان تنفس را می گذرانند متوجه شدند که برنامه بصوت و گفتگو پیرامون آثار این هنرمندان لغو شده است.

هر چند محیط صمیمانه بود و دیدار این هنرمندان و هنرمند برای حاضرین مفتتن، اما هیچک از این دو نکته مثبت نمی توانست ضعف چشمگیر در اداره و اجرای برنامه «شب شعر و قصه» در کلن را بپوشاند. سالن از گنجایش کمی برخوردار بود؛ تبلیغات پیش از برنامه بسیار محدود و ناچیز بود؛ بسیاری از ایرانیان از وجود چنین برنامه ای با خبر نبودند؛ و سالن از امکانات فنی فقیرانه ای برخوردار بود.

شگفت انگیز است که در محد تکنیک پیشرفته برای بزرگان ادب معاصر ایران برنامه بگذاری و در محل اجرای برنامه؛ حتی یک تریبون خشک و خالی، حتی یک میکروفون ساده و حتی یک میز و صندلی راحت جور نکنی. از این نظر این برنامه، باید گفت که بی برنامه و حساب نشده بود، از بروشور، یا نوشته و توضیحی در باره این هنرمندان نیز خبر و اثری نبود.

مجری در اجرای برنامه ناموفق بود. معلوم نیست از ساده گفتن و روان صحبت کردن چه بدی دیده بود که اینگونه می گوشت تا به «لفظ قلم» سخن گوید و در این زمینه آنچنان به افراط رفته بود که گاه کار به «لفظی» می کشید. گفته های ساده به پیچیده ترین شکلش ارائه می شد. از این تلاش شگفت انگیز مجری، گاه واژه ها و ترکیبات تازه ای چون «اکابران (!) ادب ایران» و یا «گویاگر (!) واقعیات» زاده می شد.

نکته دیگر آن که مفید و موثر بودن «شب قصه» خود موضوعی است قابل بررسی. این بحث برای بسیاری از حاضرین مطرح بود که اگر منظور آشنایی با نمونه ای از نثر نویسندگان دهوت شده است، می تواند نوشته ای کوتاه تر انتخاب شود و اگر هدف آشنایی با انگیزه های نوشتن یک رمان مثلا «روزگار سپری شده مردم سالخورده» است آنگاه بهتر است نویسنده تنها در آن باره سخن گوید و به معرفی اثر تازه اش بپردازد.

به هر حال تجربه قصه یا داستان خوانی در هلند، فرانکفورت و در کلن نشان داد که «شب قصه» آنگونه که «شب شعر» با استقبال حاضرین مواجه می شود، مورد توجه قرار نمی گیرد. با این همه «شب شعر و قصه» ۱۸ آوریل در دانشگاه کلن شبی خاطره انگیز و به یاد ماندنی بود. باشد که در تجربه های بعدا اجراهای مناسب تر و محیط مساعدتری برای استقبال از هنرمندان ترتیب داده شود.

به شیوه نگارشی که در داستان «چن گیر» به کار برده و از تعمدش در به کار گیری برخی واژه های هربی و گاه منسوخ سخن گفت.

جدیدترین اثر گلشیری داستان و یا رمانی است در پنج بخش به نام پنج گنج محمودی. «چن گیر» داستان نسبتا مستقلی است که به روال پنج گنج نوشته شده است و در آن شب توسط نویسنده برای حاضرین خوانده شد.

یکی از جنبه های اثر جدید گلشیری اشاره ای طنز آمیز به خرافه ها و باورهای فرسوده و فسیل شده ای است که در شرایط کنونی بر جامعه ایران تحمیل می شود.

گلشیری در مقدمه کوتاهی که در آغاز بخشی از این اثر به نام «خطبه سخن» در مجله مفید نوشته، آن را چنین معرفی کرده است:

«خمسه این محمود قصه خوان یا پنج گنج محمودی، داستانی است در پنج مجلس که گاه در کلام و شگرذ ادامه بعضی از کتب داستانی ماست و به همان سنت که بزرگان پیشین نوشته اند، با این همه در مجموع و به رسم متعارف جهانی خود رمانی است، که شاید - اگر امید همری باشد - پس از این خطبه سخن، به مجلس به چاپ می رسد.»

هوشنگ گلشیری نویسنده رمان معروف «شازده احتجاب» در زمره نویسندگان متعددی است که به قول خودش «هشوه روزگار» نمی خردند، «پایگاه سخن» نگاه می دارند و «بندی نان» نمی شوند.

تصویری از

«روزگار سپری شده مردم سالخورده»

محمود دولت آبادی که نزدیک به دو ساعت پس از آغاز «شب شعر و قصه» معلوم شد که در برنامه شرکت خواهد کرد، پس از هوشنگ گلشیری در میان استقبال مجدد و پر شور حاضرین، پشت تریبون رفت و با مقدمه ای گلاب آمیز، از خستگی راه گفت و از نامنظم بودن برنامه های متعدد از پیش تعیین نشده. آنگاه بخشی از آخرین اثر خود «روزگار سپری شده مردم سالخورده» را ارائه داد. دولت آبادی که تا پیش از انقلاب به عنوان بازیگر-تئاتر نیز او را می شناختند، از مهارت و قابلیت ویژه نمایشی خود در ارائه و یا بهتر بگوئیم اجرای بخشی از آخرین اثر داستانی خود بهره جست. حاضرین با صدای مناسب و بیان رسای دولت آبادی تصویرهای گویا و گاه تکان دهنده ای را که دولت آبادی از واقعیات زندگی در دوران جنگ جهانی دوم در ایران ارائه داده بود، زنده تر و مجسم تر یافتند.

محمود دولت آبادی آفریدگار رمان ماندگار «کلیدر»، نویسنده توانای «جای خالی سلوچ» و خالق آثار ارزشمندی چون «اوسنه باباسبحان» و «گوارهبان»، نویسنده ای است که اکنون آثارش مرزهای ایران را در نور دیده و پاره ای از نوشته هایش در شرف ترجمه به زبان های زنده دنیا هستند. گفته میشود اخیرا «جای خالی سلوچ» او به زبان آلمانی ترجمه شده است.

هنگامی که دولت آبادی، آن شب، قتل افسر روس را بدست دو روستایی ایرانی در دوران جنگ جهانی دوم تصویر می کرد، بار دیگر حاضرین قدرت شگرف او در ارائه تصویر زنده از واقعیات، و زیبایی و

به ابتکار «خانه فرهنگ ایران» شعرای نامی مهدی اخوان ثالث و محمدرضا شفیعی کدکنی، و نویسندگان شهیر محمود دولت آبادی و هوشنگ گلشیری که برای شرکت در برنامه «خانه فرهنگ دنیا» در برلین حضور داشتند به شهر کلن آلمان فریبی دهوت شدند تا ایرانیان مقیم این شهر با صدای بیان این هنرمندان نمونه هایی از آثار شان را بشنوند.

«خانه فرهنگ دنیا» در برلین قریب علاوه بر دو شاهر و دو نویسنده فوق که از ایران دهوت شده بودند، داستان نویس مشهور ایران، بزرگ هلو و شاهره تاجیکی «گلر خسار» را نیز دهوت کرده بود. در برلین، این برنامه در چهار شب متوالی اجرا شد. شب اول به اشعار مهدی اخوان ثالث اختصاص داشت. در شب دوم بزرگ هلو، بخشی از «گیله مرد» را خودش خواند و بقیه این داستان توسط خانم مترجمی به آلمانی خوانده شد.

شب سوم به اشعار دکتر شفیعی کدکنی و داستان خوانی محمود دولت آبادی (بخشی از جای خالی سلوچ) اختصاص داشت. و در شب چهارم خانم گلر خسار شعر هایش را ارائه داد و هوشنگ گلشیری داستانی بنام فتح نامه از مجموعه داستان جدیدش «پنج گنج» را خواند. در ادامه برنامه شب چهارم در برلین، جلسه بحث و گفتگویی با حضور محمود دولت آبادی، هوشنگ گلشیری، بزرگ هلو و خانم گلر خسار برپا گردید. در هر چهار شب آثار و گفته های این شاهران و هنرمندان توسط میک خانم مترجم و آکای تورچ رمنیا و آکای بهمن نیرومند به زبان آلمانی برگردانده شد. اتفاقا یکی از انتقادات مطرح شده در بخش «گفتگو و انتقاد» این بود که چرا این نویسندگان و شاهران، برنامه ویژه ای برای ایرانیان ترتیب نمی دهند؟

چند شب بعد به دهوت «انجمن فرهنگی دهخدا» در شهر برلین قریب، از ایرانیان مقیم این شهر دهوت شد تا در «شب قصه» ای از آثار هوشنگ گلشیری و محمود دولت آبادی شرکت کنند. این برنامه با موفقیت انجام گرفت.

در شهر کلن آلمان قریب نیز روز چهارشنبه ۱۸ آوریل «شب شعر و قصه» ای از آثار این هنرمندان برپا شد. متأسفانه شاهر و محقق گرانقدر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (م - سرشک) به سبب آنکه می بایست برای تدریس در دانشگاه به ایران برود، در این شب حضور نداشت. جای خالی او بسیار محسوس بود، و جای خالی بزرگ مرد داستان نویس ایران، بزرگ هلو، نیز که اصلا دهوت نشده بود برای این «شب شعر و قصه» گاستی بزرگی محسوب می شد.

در سالن شماره ۱ دانشگاه کلن حدود ۳۵۰ نفر از هموطنان مادر آن شب حضور یافتند. آنها از اخوان شاهره شنیدند و در زلالی امواج آرام و موزون شعر هایش قوطه ور شدند؛ به سرزمین «طنز سیاه» گلشیری قدم گذاشتند و با «چن گیر» اش مختصر آشنایی یافتند؛ و با بیان رسای دولت آبادی گوشه ای از «روزگار سپری شده مردم سالخورده» را شنیدند.

آن شب به هنگام اجرای برنامه این هنرمندان و در اوقات تنفس بین بخش های مختلف برنامه، فضای صمیمانه ای ایجاد شده بود و محیط از فضای خاصی برخوردار بود. در آن محیط صمیمانه، آنجا که تاکنون هنرمندان شان را از نزدیک ندیده بودند، دیدار نخستین خاطره انگیزی داشتند و بسیاری نیز با این هنرمندان دیدار نو کردند؛ خاطره ها زنده شد و خاطر ها شاد.

اخوان و «لحظه دیدار»

هنگامی که مجری برنامه از مهدی اخوان ثالث خواست تا که بر صحنه حاضر شود، همه به احترامش ایستادند و کف زدند. اخوان ثالث از حاضرین تشکر کرد و پس از مقدمه کوتاهی شعرها و یا به تعبیر فروتانه او (شعرک ها) پیش را آغاز کرد.

«باغ من» نخستین شعری بود که آن شب خواند. از «باغ بی برگی» گفت و از خنده باغ که «خونی است اشک آمیز».

آنگاه با خواندن شعری دیگر نوید لحظه دیدار داد:

لحظه دیدار نزدیک است!

باز من دیوانه ام مستم

باز می ارز دلم دستم

باز گویی در جهان دیگری هستم.

های مخراشی به غفلت گونم راه، تیغ!

های تپریشی صفای زلفکم راه، باد!

آبرویم را نریزی دل

ای نخورده مست

لحظه دیدار نزدیک است!

اخوان برخی دیگر از نمونه های شعرش را برای حاضرین خواند. نمونه ای از شعر «خسروانی باریدی»:

گل از خوبی به هم گویند ماند،

ماه باخورشید.

تو همچون سایه ابری

که هطر سایه ات چون سایه

هطرت،

تواندم گل و هم ماه و هم خورشید را پوشید

یکی از مشخصه های اصلی شعر اخوان وزن و قافیه در شعر نو است. قافیه که به تعبیر نیما یوشیج زنگ کلام است، هشدار دهنده و بیدار کننده، در غالب اشعار او به کار برده شده است. او به سبب تسلطی که بر اشعار کلاسیک ایران دارد پیش از آنکه شعر نو آغاز کند، شعرهای کلاسیک زیبایی نیز سروده بود. به همین علت در همه اشعار نو او (به جز تعداد انگشت شماری شعر سفید) «زنگ کلام» همواره به گوش می رسد. وزن و قافیه در اشعار او ماهرانه به کار برده می شوند؛ و کمتر شعری از او می توان یافت که وزن و قافیه در مفهوم شعر ایجاد نقص کرده باشد.

اخوان به سبب آنکه اشعارش با موسیقی موزون و زیبایی همراه است، در معرفی شعر نو به مردم ایران خدمتی شایان کرده است. آن شب اخوان تاکید ویژه ای را که در این زمینه دارد چنین بیان کرد: «به نظر من وزن و قافیه و طریف کلامی ابزارهایی هستند که می توان توسط آنها با مردم، با جامعه و با تاریخ ارتباط پیدا کرد.»

در «شب شعر و قصه» اخوان ثالث نمونه ای از «شعر سفید» (شعر بدون وزن و قافیه) را با نام «وداع» خواند.

اخوان از دوبیتی هایش نیز ارائه کرد:

سر کوه بلند آهوی خسته

شکسته دست و پا چمکین نشست

شکست دست و پا در داست اما

نه چون در دلدل کز قم شکسته

مهدی اخوان ثالث (م - امید) شاهر سالمی پس از ۳۲، سرانیده شعر «بتر! بد بد! چه امیددی چه ایمانی؟» یکی از شعر هایش را که در همان فضای نویدانه در سال ۴۱ سروده است با نام «پیوندها و باغ» خواند. پیش از خواندن این شعر، اشاره کوتاهی نیز به نویددی آن زمانش کرد: «من زمانی بود که به باغ همسایه نظر داشتم اما...»

با این همه، تاثیر این شعر بر حاضرین آن سان بود که قطعه آخر شعر همچون خطابی به آنها که «باغ» را در تغییر و پویندگی نمی خواهند تلقی شد. و به دل نشست:

«ای درختان هتیم ریشه تان در خاک های هرزگی

مستور،

یک جوانی ارجمند از هیچ جاتان رست نتواند!

ای گروهی برگ چرکین تار چرکین پود،

بیادگار خشکسالی های گرداگرد،

هیچ بارانی شمارا هشت نتواند!»

پیر شعر نو ایران «چاوشی» معروفش را خواند، از مشکلات راه گفت، از دلتنگی هایش و از انتخاب راه:

.....

سهره پیداست

نوشته بر سر هر یک به سنگ اندر

حدیثی که اش نمی خوانی بر آن دیگر:

نخستین، راه نوش و راحت و شادی

به ننگ آفشته اما رو به شعر و باغ آبادی

دو دیگر راه، نیمش ننگ نیمش نام

اگر سر بر کنی قوفا

و گردم در کنی آرام

سه دیگر، راه بی برگشت، بی فرجام!

.....

.....

من اینجا بس دلم تنگ است

و هر سازی که می بینم بدآهنگ است

بیای خسته خاطر دوست

ای مانند من دلخسته و چمکین

بیاره توشه بر داریم

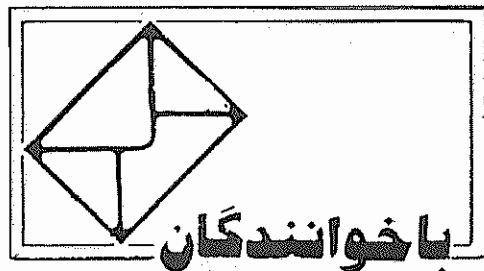
قدم در راه بی برگشت بگذاریم.

«چاوشی» در زمره چند شعری بود که اخوان به درخواست حاضرین خواند.

«ز مستان» نیز از درخواست های حاضرین بود. اما اخوان که بسیاری از روشنفکران ایران او را سرانیده و تصویرگر چیره دست «ز مستان» می شناسند، گفت که از خواندن این شعر معذورم بدارید. پس از «چاوشی» چند شعر دیگر توسط شاهر خوانده شد و آنگاه مهدی اخوان ثالث در میان استقبال شایسته ای که از او کردند تریبون را ترک گفت.

هوشنگ گلشیری و «چن گیر»

هوشنگ گلشیری دومین هنرمندی بود که در میان تشویق حاضرین پشت میز سخنران نشست. چهره ای آفتاب سوخته و برخورد صمیمانه داشت. گفت که شرایط و اوضاع و احوال او را به طنز نویسی نیز کشانده است. به طنز گفت که «حضور ارواح» می کند و از «چن گیر» نیز سخن می گوید. توضیحی داد



با خوانندگان

به تحریریه اکثریت

کنند، این امر کمک موثری به چگونگی و روند کیفیت نشریه و ارتباط سالم با خوانندگان خواهد داشت. (پیشنهاد من در رابطه با قطع نشریه قطع کاغذ ۸۳ است.)

۳- نکته دیگر مقاله هلموت کمل برنده انتخابات آلمان شرقی است که در اکثریت ۴۹۹ به چاپ رسیده است.

این مقاله با توجه به حجم زیادش متأسفانه از کیفیت لازم برخوردار نیست، برخی از مطالب آن تکراری است و در زمینه انتخاب ۱۸ مارس بسیار ضعیف است، چرا که به اعتقاد نگارنده آنچه که می‌توانست در بالا بردن رشد آگاهی و شناخت نسبت به احزاب مختلف در آلمان شرقی نقش داشته باشد و دارد همانا برنامه این احزاب است، یعنی اینکه برنامه احزاب مختلف آلمان شرقی نسبت به مسئله اتحاد دو آلمان، مسئله تعلق آلمان به ناتو یا خنثی بودن آن، مسئله ارتش، برنامه‌های اقتصادی و... که تاکنون مقاله‌ای در این باب نوشته نشده است. چند روز پیش که نشریه اشپیگل را ورق می‌زدیم جدولی جالب را دیدیم از کلیه احزاب آلمان شرقی و نظرات خلاصه شده آنها در رابطه با مواردی که در بالا به آن اشاره شد. همان لحظه قصد ترجمه آن را داشتم اما با خود گفتم شاید این برای رفقای تحریریه و خوانندگان جالب نباشد، اما این تصور من اشتباه بود، بویژه وقتی که مقاله یاد شده را در اکثریت خواندم، این مسئله باعث این شد که امروز به ضعف ارتباط خوانندگان و تحریریه بیش از پیش بیندیشم.

از یک طرف به تحریریه نشریه حق میدهم که مثلاً چاپ ترجمه‌ها و مقالات که در چهارچوب نشریه نیستند اجتناب کند، از طرف دیگر تحریریه هم باید به کسانی که احساس می‌کنند فلان و بهمان مقاله باید ترجمه شود در نشریه چاپ شود، حق دهنده که دویا سه روز وقت خود را بی‌جهت صرف مقاله‌ای نکنند که معلوم نیست چاپ شود یا چاپ نشود، راه حل چیست! (بنظر نگارنده رابطه فعال) از دو جهت.

اولاً بنظر نگارنده تحریریه نمی‌تواند در آن واحد به مقالات نشریات خارجی که مفید هستند دسترسی داشته باشد، و اگر هم داشته باشد شاید در ترجمه آن مشکلاتی پدید آید، راه آن درخواست از خوانندگان است جهت کمک به تحریریه به دو شکل عمومی (اقدام در نشریه) و خصوصی (تماس تحریریه با مترجمان).

دوماً باید این امکان وجود داشته باشد که رفقای مترجم رابطه مستقیم و فعالی با تحریریه داشته باشند، بطوری که بتوان در مورد ترجمه یا عدم ترجمه یک مقاله با آنها سریع به گفتگو پرداخت.

در همین رابطه خبر کوتاهی که در رابطه با کنگره حزب کمونیست ایتالیا بود توجه را جلب کرد، گویا باید، با توجه به آنچه از خبر برمیآید، در آینده منتظر وحدت حزب سوسیال دموکرات ایتالیا و حزب کمونیست ایتالیا بود، آنچه مرا بی‌تاب میکند و کمی دلخور هم آگاهی درست و حسابی از نظرات رفقای کمونیست ایتالیا است، شاید این در وهله اول وظیفه رفقای ما باشد که در ایتالیا زندگی میکنند، که مارا از نظرات این حزب آگاه نمایند، اما این مسئله ارتباط مستقیم دارد به رابطه تحریریه و خوانندگان در سراسر دنیا و سازماندهی آن، بدون این امر صحبت از یک نشریه با کیفیت و آگاه کننده کمتر می‌تواند در میان باشد، در این رابطه پیشنهاد دارم.

پیشنهاد اول اینست که صفحه‌ای به روندها و تحولات نظرات احزاب کمونیست جهان از فرانسه و انگلیس گرفته تا شیلی و پاکستان، در رابطه با تحولات اخیر و کلام موضع گیریه‌ای آنها باز شود.

به این ترتیب پیش داوری‌ها و حدسیات در مورد احزاب جای خود را به شعور آگاهانه در مورد دیگر احزاب خواهد داد.

پیشنهاد دوم اینست که ضرورت درج برنامه‌ها و اساسنامه‌های احزاب سوسیال دموکرات کاملاً محسوس است، تجربه این احزاب به نظر نگارنده برای دوره‌های آینده مبارزان راه دموکراسی و آزادی و سازماندهی نیروهای چپ برای ایران بسیار مفید و سازنده خواهد بود.

۴- بعد از خواندن مقاله جالب "گروه هلزاده با ارمغان..." در اکثریت ۲۹۹ افسوس خوردم که چرا من نتوانستم در آن شور و شغف سهیم باشم، متأسفانه بعد از خواندن این مقاله تازه فهمیدم که چنین برنامه‌ای صورت گرفته است.

در این رابطه تقاضای نگارنده است که در نشریه اکثریت گوشه‌ای را در صفحه فرهنگی به اخبار فرهنگی و اعلام اجرای برنامه‌های فرهنگی اختصاص دهد، هر چند نگارنده آگاه است که تمام این اخبار را نمیشود درج کرد، اما مهمترین آنها را میشود درج کرد.

با بی‌صبری منتظر شماره‌های آینده نشریه اکثریت هستم.

ب- مونیخ

پیرامون بیانیه مشترک چهار سازمان سیاسی چپ

همای سعادت

ایجاد می‌نماید و نمی‌تواند از گسست حقیقی با منطق معیارها و منشهای گذشته سخن بگوید و مزید بر آن اگر این پارامتر نیز مورد توجه قرار گیرد که انتشار بیانیه مشترک با توجه به وضعیت درونی هر یک از سازمانهای امضاء کننده بیانیه در شرایط قدرت هر یک از آنها نبوده است.

درست این است که گفته شود از دید ناظر خارجی محدود شدن امضاء بیانیه به این چهار سازمان علیرغم پیشرفت‌هایی که بر سر برداشتن موانع همکاری و اتحاد آنان برداشته شده هنوز از ناپیگیری سیاست آنان در پاسخگویی به نیاز حیاتی جنبش و مردم کشورمان خبر می‌دهد و در اندیشه آنان هنوز امسال نیز تا روز طرح انداختن "فرهنگ نو و روشهای نوین که لازمه شکل‌گیری یک ائتلاف بزرگ دموکراتیک و ملی برای استقرار آزادی و قانون در ایران است" فاصله زیادی است که باید طی شود.

شاید ایراد گرفته شود چنین قضاوتی خطاست و چنین ارزیابی ناشی از یکجانبه نگری نسبت به مناسبات نیروهای سیاسی است، در این مناسبات می‌بایست به دو وجه آن توجه کرد، بلافاصله باید گفته شود در اینجا روی سخن در وجه دوم مناسبات متوجه نیروهای نیست که انزوا طلبی را علیرغم اعلام پذیرش اندیشه‌های فوق پیشه عمل و کار سیاسی خود قرار داده‌اند و هنوز هم سیاست خصومت و دشمنی و تهمت و افترا را پیش می‌برند، بلکه نیروها و سازمانهای سیاسی دیگری را در نظر دارد که زودتر و یا دیرتر از امضاء کنندگان این بیانیه وفاداری خود را نسبت به اندیشه‌های سیاسی فوق اعلام کرده و آرا کارپایه مشی سیاسی خود قرار داده‌اند و تاکنون نیز بخاطر اعلام این مواضع از جانب ما و دیگران مورد بدترین تهمت‌ها و دشنام نیز قرار گرفته‌اند.

عدم توجه به این نیروها و عدم محاسبه نقش، توان و موقعیت اجتماعی آنان و نشان دادن عدم تحرک در رویارویی با موانع از سرگیری مناسبات با آنان نه تنها از پیگیری سیاست اعلام شده در بیانیه در نظر ثالث می‌کاهد و آن را به شک و تردید و ایجاد سؤال می‌کشاند بلکه عملاً نیز از تصحیح خطای نیروی که امروز همچنان در عمل بر سیاست و روش گذشته تکیه دارد جلوگیری می‌نماید و تقویت مواضع اتراسب می‌شود. امروز بغیر از طیف نیروهای چپ وابسته به اقلیت و تا حدودی سازمان راه کارگر و همچنین سازمان مجاهدین خلق که سیاست انزواطلبانه‌ای را در پیش گرفته و گاه نیز به دشمنی و خصومت در میان نیروهای دامن می‌زنند، سایر نیروهای سیاسی آمادگی خود را برای همکاری و اتحاد عمل در چارچوب مطالبات اعلام شده در بیانیه چهار حزب و سازمان سیاسی اعلام کرده‌اند. در طیف چپ نه تنها حزب توده ایران که سالهاست در راه اتحاد و همکاری نیروها بر پایه برنامه سیاسی روشنی تلاش می‌کند و مطالبات عنوان شده در بیانیه مشترک اخیر مدتهاست که بعنوان کارپایه سیاسی اتحاد عمل مشترک نیروهای طرفدار صلح و آزادی از جانب حزب بیان شده

بته در صفحه ۴

سیاست و معیارهای گزیده شده توسط امضاء کنندگان بیانیه را ضروری می‌سازد. در بیانیه ضمن برشمرده شدن یک سری عوامل و شرایط ملی و بین‌المللی در جهت ایجاد زمینه‌های مساعد برای پایان دادن به حیات استبداد و استقرار دموکراسی در کشور و با فراخوان به مردم و نیروهای سیاسی و آزادیخواه کشور با هدف استقرار آزادی و ایجاد حکومت قانون و قرار دادن کشور در مسیر رشد و ترقی و رفاه گفته می‌شود: "... امروز راه گاه آن است که همگی با احساس مسئولیت نسبت به حال و آینده ایران در قامت بلند ملتی بزرگ و آزادیخواه برای استقرار آزادی و حکومت قانون و قرار دادن میهنمان در مسیر رشد و ترقی و رفاه متحد شویم. کمر همت بریندیم و برای تحقق آرزوهای دیرینه‌مان عمل کنیم. باید از همین نوروز فرهنگ نو و روشهای نوینی را که لازمه شکل‌گیری یک ائتلاف بزرگ دموکراتیک و ملی برای استقرار آزادی و قانون در ایران است

برگزینیم. بیش از هر چیز منش همراه بودن، همراه شدن و منافع ملی را مآل و منافع حزبی و گروهی و فردی دیدن را پیشه خود سازیم و بدینسان راه را بر ائتلاف و اتحاد همه کسانی که در استقرار آزادی و حکومت قانون ذینفع هستند هموار کنیم." آنچه که جان و روح بیانیه باید باشد همین نقل و قول یاد شده اخیر است و این روح و اندیشه است که امروز با الزامات عینی جهان و نیازها و ضرورت‌های جامعه فلاکت زده ما انطباق دارد و لزوماً نیز باید کارپایه مشی سیاسی و موضعگیریهایی این نیروها نسبت به دیگران قرار گیرد و نتیجتاً معیارهای واقعی در راه نزدیکی آنان باشد.

اندیشه نهفته در این بخش از بیانیه به‌شبه اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق سازمانها و نیروهای صلحدوست و ترقیخواه کشور تا کنون بیان شده است، امروز دیگر کمتر جریان و یا نیروی سیاسی را می‌توان دید که اندیشه‌های فوق را کارپایه مشی سیاسی خود اعلام نکرده و تحت تاثیر روندهای آزادیخواهانه در مرصه‌های ملی و بین‌المللی وفاداری خود را به دموکراسی و قانونیت بیان نداشته باشد. اما علیرغم اعلام پذیرش وفاداری به مضامین فوق آنچه که در عمل جریان یافته کندی پیشرفت این مضامین در زندگی روزمره سیاسی این جریانات را نشان می‌دهد و حاکی از عدم گسیختگی ارتباطشان با منشها و معیارهای گذشته است که بیانیه اخیر بدرستی بر خطا بودنشان و تقابل منطق آنان با منطق واقعیت و الزامات زندگی اشاره کرده است.

و اما ناپیگیری بیانیه اخیر در شرایط سیاسی کنونی نیز باید از همین دیدگاه دنبال گردد، چنانکه گفته شد در طیف نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه کشور اکثریت قریب به اتفاق آنان وفاداری خود را به اندیشه‌ها و معیارهای بیانیه چهار سازمان و حزب سیاسی اعلام کرده‌اند، و به همین خاطر محدود شدن امضای بیانیه به چهار سازمان سیاسی با توجه به مناسبات گذشته و مسائل درونی و وضعیت و موقعیت هر یک از آنان در گذشته و حال سؤال

خجسته نوروز امسال مصادف با انتشار بیانیه‌ای توسط چهار حزب و سازمان چپ ایرانی گردید که هر یک از آنها دارای موقعیت و نفوذ اجتماعی متفاوت و وضعیت سیاسی درونی ویژه‌ای است.

اقدام اخیر این نیروها در اساسی‌ترین وجه خود یعنی تلاش در راه همگامی و اتحاد نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه کشور صرفنظر از انگیزه‌ها، تلاش‌ها و اهداف سیاسی دیگر آنها که می‌بایست بطور جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرد، عملی شایسته و در راستای پاسخگویی به نیازهای حیاتی جنبش مردمی و آزادیخواهانه در کشور است. اهمیت انتشار بیانیه اخیر همچنین می‌بایست با توجه به این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد که در دوره سیاسی اخیر و در چند سال گذشته، نیروهای سیاسی ایرانی خصوصاً سازمانها و احزاب چپ در تیره‌ترین مناسبات خود با یکدیگر قرار داشته‌اند، وجه مشخصه مناسبات این سالها انشعاب، پراکندگی و تفرقه، بهتان و افتراء، دشمنی و ارزیابیهای غیر منطقی و خلاف واقع علیه یکدیگر بوده است.

وجود چنین مختصات در روابط مناسبات نیروهای سیاسی و کاربست روشها و معیارهایی غیر واقعی در برخورد با یکدیگر در حالی صورت می‌گرفت و می‌گیرد که به اعتقاد همه نیروها ادامه وضعیت بحرانی کنونی در کشور و حیات سیاسی رژیم ولایت فقیهی تا حد زیادی به وضعیت مناسبات سیاسی نیروهای اپوزیسیون بستگی یافته و منطقی‌ترین برخورد برای خروج از بحران فلاکت‌آزایی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کنونی راه نزدیکی، همگامی و اتحاد همه نیروهای طرفدار صلح و آزادی بوده است.

متأسفانه علیرغم این ارزیابی و استنتاج صحیح، در طول سالهای گذشته معیارهای بکار گرفته شده از طرف اکثریت فعالین سازمانهای سیاسی چپ در برقراری مناسبات با یکدیگر بر پایه مضمون یاد شده قرار نگرفته است، گزینش این معیارها در شرایط افت و خیز بمرانهای سیاسی-اجتماعی در کشور بارها و بارها نادرستی خود را به نمایش گذاشته‌اند و از این رهگذر ضربات سیاسی جدی هم متوجه این سازمانها و هم جنبش مردمی و آزادیخواهانه کشور شده است.

باید متذکر شد که هدف از نوشتن هیچ‌رو نقد و ارزیابی سیاست و معیارهای گذشته ما در تمامی وجوه آن نیست، بلکه اشاره به یک تناقض میان ارزیابیها و استنتاجات ما و سیاست عملی روزمره‌ای است که دنبال می‌کنیم، و همین تناقض است که ارزیابی و نقد بیانیه اخیر چهار سازمان سیاسی را ضرور می‌سازد.

روشن است که گامهای برداشته شده در راه نزدیکی این نیروها در شرایط تفرقه و پراکندگی دردناک گذشته که هنوز در مقابل سیر حوادث و منطق آن جان سختی می‌کند، بسیار دشوار پیموده شده است ولی شرط پیش‌روی بسوی آینده و جلوگیری از بازگشت و بروز هر انگیزه خودفرزانه از جانب این و یا آن نیروی سیاسی نقد ناپیگیری

شامگاه چهارشنبه ۲۵ آوریل، در حضور نمایندگان عالی‌رتبه دهها کشور، از جمله روسای جمهور و نخست‌وزیران بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، مراسم آغاز دوره ریاست جمهوری ویولتا چامورو در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه برگزار شد. دانیل اورتگاه رهبر جبهه آزادیبخش ملی ساندینیست (اف.اس.ال.ان، حمایت‌ریاست جمهوری را به خانم چامورو کاندیدای ائتلاف چهارده حزب موسوم به اونو که در انتخابات ۵۵ درصد آرا به دست آورد، واگذار کرد.

دولت جدید نیکاراگوئه
بلافاصله پس از روی کار آمدن، با
مخستین بحران خود روبرو شد.
در اعتراض به تصمیم چامورو در
عدم تعویض مقامات ارتش، دوتن
از نامزدهای وزارت از شرکت در
کابینه جدید خودداری کردند.
چامورو روز چهارشنبه اعلام کرد
او میرتو اورتگا برادر دانیل
ورتگا در پست فرماندهی ارتش
ساندنیستی ابقا خواهد شد.
او میرتو اورتگا بدین منظور قبلاً از
سمت خود در رهبری ۹ نفره
ف.اس.ال.ان، کناره گیری
کرده بود. در دولت جدید، خود
فانام چامورو مقام وزارت دفاع را
برعهده گرفت. او میرتو اورتگا
قبلاً در دولت ساندنیستی علاوه بر
فرماندهی ارتش، وزیر دفاع نیز
بود. در موافقت نامه میان دانیل
ورتگا و ویولتا چامورو پیرامون
تحویل قدرت، آمده است ارتش،
مشروعهت دولت را به رسمیت
خواهد شناخت و تابع دولت خواهد
بود. دولت نیز به تمامیت و
معرضه نادبیری ارتش احترام
خواهد گذاشت. در آستانه آغاز
یاست جمهوری چامورو، تعداد
یادی از افسران هالی رتبه و نیز
مقامات بلند پایه وزارت کشور از
سیسئولیت های خود در
ف.اس.ال.ان، استعفا دادند تا
مقام دولتی خود را در دوره جدید
نیاز حفظ کنند. چامورو با ابقای
ساندنیست ها در پست های حساس

نڪار، اڳوڻو

دستگاه نظامی و امنیتی موافقت کرده است به شرطی که این کادرهای ساندینیست در افغانستان، دارای مسئولیت نباشند. این توافق چامورو و اورتگا، مخالفت ارگان رهبری اونو، ائتلاف ۱۴ حزب حامی چامورو را برانگیخته است. همچنین ۵۵۰ تن از افراد مسلح ضد انقلابی که قرار بود سلاحهای خود را به نمایندگان سازمان ملل تحویل دهند، از این کار خودداری کردند.

در مقابل، اطرافیان خانم چامورو بر ضرورت همکاری با ساندینیستها تاکید کرده اند. اگر دو سیزار یکی از مشاوران چامورو گفت او مبروت اورتگا تنها تا انحلال باندهای کنترا مقام خود را حفظ خواهد کرد و پس از آن استعفا خواهد داد. طبق توافق اخیر میان چامورو، فرماندهی ارتش و رهبران کنترا، قرار است ضد انقلابیون در ۴۰ روز آینده خود را منحل کنند و سلاحهای خود را تحویل دهند.

اما به نظر می‌رسد این موهد،
رهایت نخواهد شد. کنترای مورد
حمایت آمریکا، قبل از انتخابات
اعلام کرده بود در صورت
پیروزی چامورو، به جنگ خاتمه
داده خود را خلع سلاح خواهد
کرد. اما پس از انتخابات به تدریج
روشن شده که کنترای نوع دیگری از
پیروزی را به شیراز آنچه به وقوع
پیوسته بود می‌خواهد.

افراطی‌ترین رهبران کنترای
می‌خواهند در نیکاراگوئه دیگر
اثری از ساندینیست‌ها نماند و
خود، پیروزمندانه وارد ماناگوا
شوند. حتی برخی از آتعامی گویند
دولت باید ارتش را خلع سلاح کند و
کنترای را به عنوان ارتش به رسمیت
بشناسد.

این خواسته‌های افراطی، در

واقعیت امروز نیکاراگوئه که یک
عنصر مهم آن، نیروی سیاسی
همه ساندیست‌ها و نفوذ بلامنازع
آنها در ارتش و وزارت کشور
است، رویایی بیش نیست.
چامورو و اطرافیان‌ش با درک این
واقعیت، بلافاصله پس از انتخابات
مشی آشتی‌جویانه‌ای در برابر
اف.اس.ا.ل. زد. در پیش گرفتند.
در مقابل، پادشاه انقلابیون بهانه‌های
تازه‌تر و تازه‌تری برای طفره
رفتن از خلع سلاح پیش کشیدند.
کار به جایی رسید که چند روز پس
از انتخابات، دانیل اورتگا اعلام
کرد در صورت عدم انحلال و خلع
سلاح کنترا، تحویل قدرت به
توقیق خواهد افتاد. اینک به نظر
همی‌رسد ساندینیست‌ها تاوانسته‌اند
با تکیه بر پیایگاه توده‌ای وسیع و
حضور نیرومندان در دستگاه

هم‌زمان با آغاز ریاست جمهوری ویولتا چامورو، پارلمان جدید نیکاراگوئه نیز نخستین جلسه خود را تشکیل داد و خانم میریام آرگولو، سیاستمدار عضو ائتلاف چهارده‌گانه اونو را به عنوان رئیس پارلمان برگزید. در پارلمان جدید، اختلاف اونو ۵۱ کرسی و ساندینیست‌ها ۳۹ کرسی دارند. این بدان معناست که بدون رای ساندینیست‌ها، قانون اساسی غیر قابل تغییر است، زیرا تغییر قانون اساسی مستلزم رای حداقل ۶۰ درصد نمایندگان مجلس است.

ریاست جمهوری				پارلمان	
۱۹۹۰		۱۹۸۴		۱۹۹۰	
درصد	آرا	درصد	درصد	کرسی‌ها	کرسی‌ها
۱۷۵۲۰۸۰	۱۵۵۱۵۹۷	۷۵,۴	۱۱۷۰۱۴۲		
۱۵۱۰۳۸۳	۷۱۲۰۹	۶,۱			
۹۰۲۴۹					
۷۷۷۵۵۲	۵۴,۷	۵۳,۹	۱,۵	۵۱	۲
	۱۶۰۳۴		۱,۳	(۳)	۱,۵
	۱۴۴۹۴		۹,۶	(۳)	۱,۴
	۱۰۵۵۵۶۰			(۱۲)	۹,۷
				(۸)	
				(۲)	
				(۱۱)	
				(۱۲)	
	۶۱۱۹۹	۵,۶			۶
					۵,۶
۵۷۹۸۸۶	۷۳۵۹۶۷	۶۷,۰	۴۰,۸	۳۹	۶۱
۱۶۷۵۱			۱,۰	۱	۶۶,۸
۱۱۱۳۶			۱,۶	۱	
۱۴۲۰۵۴۴	۱۰۹۸۹۳۳			۹۲	۶۶

دولت، موافقت چامورو را بناهی
ادامه حضور اف اس ال ان، در
دولت جدید در سطحی پایین تر
از وزرا به دست آورد. و این
امر، برای ثبات و آرامش در
نیکاراگوئه حائز اهمیت بسیار
است.

ناظران پیش بینی می کنند که
تدابیر اقتصادی دولت جدید،
قطعا مانند همه موارد مشابه در
آمریکای لاتین، به فقر صدها هزار
تن مردم دامن خواهد زد.
نیکاراگوئه به کانون بحران های

انقلابوں میں السالو ادور :

پس از انتخابات نیکاراگوئه، بسیاری از رسانه‌های
غربی شتابان پیش‌بینی کردند که با نتیجه انتخابات،
مبارزه انقلابیون در سایر کشورهای آمریکای لاتین
دچار رکود و عقب‌گرد خواهد شد. اما خود انقلابیون
در این کشورها، با خوش‌بینی به آینده می‌نگرند.
سلوادور ساهایوا، عضو رهبری جبهه رهایی‌بخش
ملی فارابوندو مارتی السالوادور (اف.ام.ال.ان)،
چندی پیش در مصاحبه با رادیوی میمن پرستان این
کشور، به بررسی اوضاع پس از تحولات نیکاراگوئه
پرداخت:

سؤال: اکنون پس از شکست انتخاباتی اف. اِس. اِل. این، آیا شما برای اف. اِم. اِل. این، خطر انزوای امنیتی را می‌بینید؟

سامانیا: این ارزیابی مبتنی بر فرض‌های نادرست و هدم تحلیل است. فرض اول، وابستگی مطلق افت‌ها به زمان، به نیکارگوشه است. اما چنین وابستگی وجود ندارد. آنچه وجود دارد، رابطه و همکار است، اما نه در ابعدی که همیشه در این ۱۰ سال گفته‌اند.

فرض دوم، که آن نیز اشتباه است، در این است که باین انتخابات همه چیز در نیکارگوئه ۱۸۰ درجه چرخش یافته است. در نیکارگوئه هنوز روشن نیست اوضاع چگونه پیش خواهد رفت. من به هیچ وجه نمی توانم تصور کنم که قدرت بسیار بزرگ، فراگیر و تعیین کننده ای که اف.اس.آل.ان، در نیکارگوئه دارد، باین نتیجه انتخابات پایان یافته باشد.

فرض سوم، ارزیابی از حواقیب سیاسی شکست انتخاباتی اف اس ایل آن است. این شکست برای ما یک جنبه منفی دارد، زیرا به معنی این است که بطور کلی انقلاب، و پایه مبارتی دولت های چپ، با مخالفت و روبرو می شوند. آنچه در اروپای شرقی می گذرد نیز بر همه ای ها افزوده می شود، اما حداقل دو تاثیر دیگر نیز برای ما وجود دارد، که مثبت است.

دولت انقلابی نیکاراگوئه سالم‌ترین انتخاباتی را برگزار کرد که تاکنون در آمریکای لاتین دیده شده است. دولت انقلابی در برابر اپوزیسیون میزانی از نخطاف را نشان داد که در آمریکای لاتین سابقه نداشته است. این امر به ما امکان می‌دهد از کرسیستانی (رئیس‌جمهور دست راستی سالوادور کاسترو) همسر، اطلاب کنیم. این امر به ما همه

حاد اجتماعی تبدیل خواهد شد. در این شرایط برخورد هوشمندانه از سوی چامورو، طبعا هجوم به دستاوردهای انقلاب و راندن ساندینیست‌ها به موضع مخالفت سرسختانه به دولت جدید نیست. توافق ای.ا.و. رئیس جمهور جدید نیز حاکی از پی بردن چامورو به پیچیدگی اوضاع است. اما اکنون، ویولتا چامورو نه با مخالفت ساندینیست‌ها، که با همه‌آنها، راست افراطی و بر

است که تا دیروز از او حمایت می‌کرد. به ویژه کنترا، دیوی که آمریکا از چراغ جادوی چند صد میلیون دلاری بیرون آورده است، اکنون خطر همدی برای دولت چامورو محسوب می‌شود. هم اکنون میان کنترا و ارتش، آتش‌بس برقرار است. اما کیست که بتواند تضمین کند چامورو برای مهار کردن ضدانقلابیون، ناچار به توسل به کم کم ارتش خلقی ساندنیست؟^{۱۲} نخواهد شد؟

تحولات نیکار، اگو ٹھہر اعتبار جیب میں افزاید

نیروهای سیاسی السالوادور امکان می دهد
 کریستیان را با محک انعطاف پذیری دولت
 ساندنستی به سنجش بگذاریم.

تأثیر سیاسی مثبت دیگر، اعتبار ماست. همیشه گفته شده است که انقلابیون تنها می‌توانند با تدابیر توانالتر (تمایزگرا) بر سر قدرت بمانند... اما انقلابیون قدرت را تحویل دادند. این کار دشوار حاکی از میزان بالایی از درستکاری است. به گمان من، این افزایش اعتبار به همراه تعهد دموکراتیکی که اف.اس.ال.ان. متقبل شده است، به کار ما تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

اکنون باید مسئله السالوادور حل شود که از تحولات کنونی تاثیر کمی گرفته است. تا آنجا که به مناسبات با ایالات متحده، اروپا، و مریکای جنوبی مربوط می‌شود، فکر می‌کنم اکنون این روابط حتی می‌تواند گسترش یابد.

سؤال : موضع اف . ام . ال . ان . در قبال انتخابات
در السالو ادور چیست ؟

سایه‌ها: انتخابات بعدی از هم اکنون پیش‌بینی شده است. لائقل نمایندگان و شهرداران در مارس ۱۹۹۱ انتخاب خواهند شد. در نیکاراگوئه، امکان روند سالمی برای انتخابات وجود داشت زیرا انقلاب صورت گرفته بود و نه دولت و نه ارتش مانع انتخابات نبودند. با ارتش سوموزا، امکان انتخابات وجود نداشت. در مورد ارتش السالوادور نیز همین‌گونه است. این ارتش هیچگاه برای آزاد و دموکراتیک‌اراده مردم تحمل ندهد.

اگر طرف مباحثاتی آتی مذاکرات سیاسی تحقق یابد، یا حداقل اصلاحات اساسی در ارتش و در مورد سایر شرایط صورت گیرد، زمینه‌های نه دلبخواه، اما حداقل ضروری برای انتخابات مارس ۱۹۹۱ به وجود خواهد آمد.

ما مواضع خود در مذاکرات را تدقیق و بر دو پایه مکتب هم استوار کرده‌ایم؛ غیر نظامی کردن جامعه و دموکراتیزه کردن آن که بدون غیر نظامی کردن، ممکن نیست، همه خواسته‌های ما، و نه تنها ما، بلکه اکثریت نیروهای فعال کشور، قابل خلاصه شدن در این دو مورد است. در این چارچوب امکان شرکت در انتخابات و دو دخالت داشت.

ادامه ناآرامی در نیال



بدنیال تشکیل دولت جدید در نیال، که ائتلافی از دو گروه بندی همده اپوزیسیون، حزب کنگره و اتحاد چپ (با شرکت حزب کمونیست) است، طرفداران افراطی بیرندرا، پادشاه این کشور دست به حملات و تعرض علیه مردم زده اند. درگیری میان هواداران رژیم استبدادی و گروه های دفاع مردمی، باعث ادامه ناآرامی در این کشور شده است.

به گفته مردم کاتماندو، پایتخت نیال، افراد باندهای طرفدار استبداد که به ماندالائی ها شمرت دارند، شب هنگام به خانه های مردم حمله می کنند، آن ها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و آتش سوزی به راه می اندازند. بنا به تخمین هائی، نیمی از افراد پلیس به این باندها

تعلق دارند. مردم برای دفاع از خود، گروه های بسیج تشکیل داده اند. برخی از این گروه ها، دست به اعمال افراطی می زنند و با قتل افراد پلیس، ایجاد راه بندان و حتی ممانعت از کار دولت جدید، تشنج پدید می آورند. یک خواست همده مردم، خروج بیرندرا از نیال است.

هنوز قانون اساسی رژیم استبدادی به قوت خود باقی است. به موجب این قانون، پادشاه می تواند انتخابات جدیدی برای شبه پارلمان، یعنی پانچایات، اعلام کند و فرد دیگری را به جای رهبر حزب کنگره به نخست وزیری منصوب نماید. به گفته بسیاری از ناظران، بیرندرا هنوز امیدوار است بتواند نقشی بیش از یک پادشاه مشروطه ایفا کند.

دیدار لی پنگ از شوروی

مواضع مشابه دو دولت در مورد ضرورت محو کامل سلاح های هسته ای و چشم پوشی از پیش دستی در کاربرد آن ها اشاره کرد.

میان شوروی و چین توافق هائی در مورد همکاری در بهره گیری از انرژی اتمی و سفرهای فضائی حاصل شد. قراردادی پیرامون همکاری های علمی تا سال ۲۰۰۰ به امضا رسید.

هم زمان با دیدار لی پنگ تظاهرات کوچکی علیه وی در مسکو به دعوت "جبهه خلق روسیه" برگزار شد. در این تظاهرات لی پنگ به هلت مسئولیت در کشتار میدان "تی یو آن من" در ژوئن سال گذشته مورد حمله قرار گرفت. ۲۲ نفر از نمایندگان انجمن شهر مسکو نیز که عضو فراکسیون "روسیه دموکراتیک" هستند، طی قطعنامه ای لی پنگ را متهم کردند که "دستانش به خون مردم چین آلوده است".

لی پنگ نخست وزیر چین هفته گذشته از مسکو دیدار کرد. در این دیدار دو طرف در مورد انجام تدابیر خلع سلاح در امتداد مرزهای مشترک خود به توافق رسیدند. نخست وزیر چین با میخائیل گارباچف و نیکلای ریشکف، رئیس جمهور و نخست وزیر شوروی ملاقات و گفتگو کرد. میخائیل گارباچف طی دیدار با لی پنگ گفت: "ما از دیگران می آموزیم، اما راه خود را می رویم." وی افزود هدف پرسترویکا "نوسازی و بهسازی جامعه ما ضمن حفظ انتخاب سوسیالیستی است". رهبر شوروی اظهار داشت: "تحول کنونی از نظر وسعت و جهت کمتر از انقلاب اکتبر نیست." نیکلای ریشکف نیز در ضیافتی به افتخار لی پنگ خاطر نشان کرد: "احترام متقابل، برابر حقوقی کامل و عدم مداخله در امور داخلی کشور دیگر" مبانی مناسبات میان دو کشور را تشکیل می دهند. نخست وزیر شوروی همچنین به

برقراری سانسور شدید در ترکیه

"خانه حراپ کن" است. دولت اوزال این موقعیت را مقتضای دانسته و جرایم توهین به رئیس جمهور، به پارلمان، به دولت، به وزیران و به مأموران هالیرتبه دولت را مستوجب مجازات بسیار شدیدی قرا داده است. مقررات جدید سانسور ترکیه که بدون تصویب پارلمان به اجرا درآمد، فراتر از مسائل مربوط به کردستان، ابزار جدیدی برای اعمال فشار بر مطبوعات منتقد به دولت داده است.

احزاب اپوزیسیون ترکیه اقدامات دولت را مورد انتقاد قرار داده اند. اردال اینونو، رهبر حزب سوسیال دموکرات مردمی، خواهان بحث عاجل در پارلمان پیرامون این موضوع شد و گفت: "اگر مجاز نباشیم در این مورد بحث کنیم، پس راجع به چه چیزی باید به بحث بپردازیم؟" سلیمان دمیرل، نخست وزیر اسبق و رهبر حزب دست راستی "راه راست"، اظهار داشت در دوره های جنگ نیز چنین تدابیری علیه مطبوعات به یاد ندارد.

اوزال ضمن دفاع از مقررات جدید آن را "نه سانسور، که نوعی کنترل نشریات توسط خودشان" نامید! وی گفت در آینده می خواهد بطور مرتب ریاست جلسات کابینه را بر عهده بگیرد. این اعلام، آغازگر دوره جدیدی در ترکیه است که در آن، نقش رئیس جمهور در مقایسه با نخست وزیر به نقش همده تبدیل می شود. سلیمان دمیرل قصد اوزال را مخالف قانون اساسی خوانده است.

کردستان ترکیه در هفته های اخیر صحنه نبردهای شدید میان گروه های مبارز کرد و ارتش آنکارا بوده است. دولت اوزال، رئیس جمهور، برای جلوگیری از انتشار اخبار این نبردها، در هفته گذشته سانسور شدیدی بر مطبوعات این کشور برقرار کرد. اقدامات دولت اوزال تاکنون به توقف انتشار بیش از ده هفته نامه ترکیه انجامیده است.

دستورالعمل جدید دولت که در تاریخ ۹ آوریل به تصویب یک جلسه کابینه به ریاست اوزال رسید، پیش بینی می کند که چاپخانه هائی که در انتشار مطبوعات حاوی "اخبار و تحلیل های جعلی و دروغ، و تهدیدکننده امنیت عمومی در منطقه، شوراننده مردم و یا مانع کار نیروی امنیتی" شرکت نمایند، تعطیل شوند. این تهدید دولت باعث شده است بسیاری از مطبوعات، چاپخانه ای برای طبع شماره های خود نیابند.

از جمله، چاپخانه روزنامه حریت سقارش چاپ هفته نامه معروف "دوگرو ۲۰۰۰" (جمعت ۲۰۰۰) را لغو کرد. سردبیر این هفته نامه که در گذشته نیز به هلت گزارش های انتقادی در مورد ترکیه چندین بار ممنوع شده بود، گفت یک چاپخانه دیگر که می خواست به جای "حریت" نشریه وی را چاپ کند، پس از هشدار پلیس از این کار منصرف شد. عبدالقادر آکسو وزیر کشور تأیید کرد که چاپخانه حریت در صورت چاپ "دوگرو ۲۰۰۰" تعطیل می شود.

علاوه بر تعطیل چاپخانه ها، مقررات جدید سانسور جریحه های نقدی نیز پیش بینی می کند که میزان آن بنابه اظهار نظر ناشرین،

اسرائیل: شکست پرز در تشکیل دولت

اسرائیل، انتقاضه، قیام فلسطینیان مناطق اشغالی ادامه دارد. در نوار غزه هفته گذشته دو تن از مردم توسط سربازان اسرائیلی کشته و ۵۷ نفر مجروح شدند. در کرانه غربی رود اردن هفت فلسطینی مجروح گردیدند. واسلاو هاول، رئیس جمهور چکسلواکی، هفته گذشته از اسرائیل دیدن کرد. وی که چندی پیش با یاسر عرفات رهبر ساف ملاقات کرده بود، به شامیر نخست وزیر اسرائیل پیشنهادی برای میانجیگری ارائه داد. اما شامیر پس از گفتگو با هاول اظهار داشت قرار انجام اقدامات مشخصی گذاشته نشده است.

مودای که هم اکنون وزیر کار است، در گذشته بعنوان منتقد حزب خود شهرت یافته است. اما وی چهارشنبه گذشته اعلام کرد که کماکان از لیکود پشتیبانی خواهد کرد. بدین ترتیب شمار نمایندگان حامی پرز در مجلس ۱۲۰ نفره، به ۶۰ نفر رسید. اسحاق شامیر در ۱۵ مارس موفق به گرفتن رای اعتماد از مجلس نشد. وی اکثریت مجلس را زمانی از دست داد که حزب کارگر همدتا به هلت مخالفت شامیر با طرح صلح آمریکا برای خاورمیانه، از دولت شامیر خارج شد.

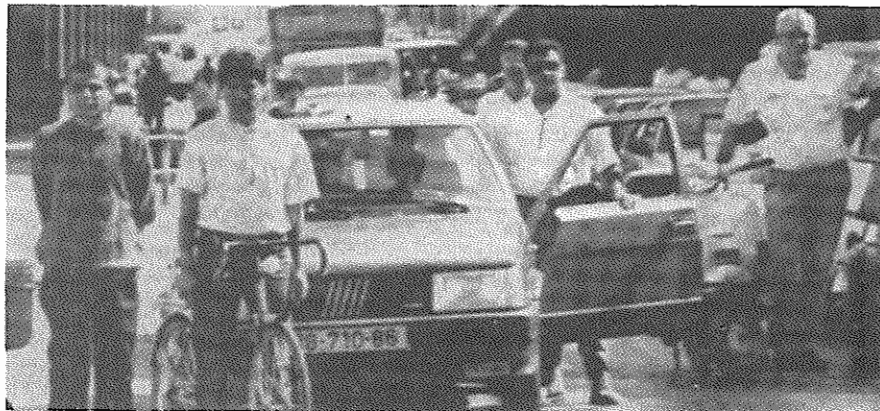
شیمون پرز رهبر حزب کارگر اسرائیل در تلاش برای تشکیل دولت جدید شکست خورد و خائیم هرستوگ، رئیس جمهور این کشور، بار دیگر اسحاق شامیر، نخست وزیر فعلی و رهبر بلوک لیکود را مأمور تشکیل دولت کرد. این اولین بار در تاریخ اسرائیل بود که یک سیاستمدار مأمور از طرف رئیس جمهور برای تشکیل دولت نتوانست کابینه ای متکی بر اکثریت، کنتس، پارلمان اسرائیل، تشکیل دهد. پرز چند هفته کوشید اسحاق مودای، سیاستمدار لیکود را به شرکت در کابینه اش ترغیب کند.

اعتصاب غذای کوتلو و سارگین

به میمن خود بازگشتند و بلافاصله در فرودگاه بازداشت شدند. از آن زمان تا کنون بسیاری دیگر از کادرهای حزب نیز به کشور مراجعت کردند. آنها نیز به دادگاه جلب شدند اما فقط سارگین و کوتلو کماکان در زندانند. هلیرفم اعتراضات بی شمار در داخل و خارج ترکیه آنها به عنوان "گروگان دموکراسی" در بازداشت نگاه داشته شده اند. تورگوت اوزال، رئیس جمهور فعلی، در سپتامبر سال

هنگامی که حیدر کوتلو و نیهات سارگین در سال ۱۹۸۷ به ترکیه بازگشتند تا حزب کمونیست ترکیه را قانونی کنند برخی نشانه ها برای دموکراتیزه شدن سریع کشور وجود داشت. اما واقعیت خود را برنخیز نشان داد. آن دو از زمان بازگشت در زندان بسر برده و اکنون با اعتصاب غذا اوضاع فم انگیزی را نمایان می کنند. کوتلو و سارگین از روز ۶ آوریل در اعتصاب غذا بسر می برند. آنها در ۱۶ نوامبر ۱۹۸۷

AKSARIYAT NO. 302 MONDAY, 30. Apr. 1990	حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER
Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY	با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید



برای ادای احترام به خاطره شش میلیون یهودی که قربانی فاشیسم هیتلری شدند روز یکشنبه ۲۱ آوریل همه وسائل نقلیه به مدت دو دقیقه در اسرائیل از حرکت ایستادند